پیش گفتار

بخش کنگاور از توابع شهرستان کرمانشاهان، برسرراه همدان به کرمانشاه وبین شهرستانهای همدان، تویسرکان، نهاوند، قروه وبخش های خدابنده‌لو وصحنه واقع شده است وفاصلهٔ آن ازشهر کرمانشاه وهمدان تقریباً به یک اندازه است.

کنگاور بطور کلی ناحیه‌ای است متشکل ازدشت و کوهستان. قسمت جنوبی آن اراضی هموار وبخش شمالی کوهستانی است. اراضی پایکوهی وزمینهای آبرفتی دشت کنگاور حاصلخیز وآب وهوایش معتدل و کوهستانی است. با ارتفاع گرفتن از دشت وورود به کوهستان برطول مدت زمستان و شدت سرما اضافه شده در عوض تابستان معتدل می گردد. ریزشهای جوی از اوائل فصل پائیز با بارندگی شروع می‌شود، در آذرماه قلل کوهستان را برف می‌پوشاند ودر فصل زمستان دشت و کوهستان را برف فرا می گیرد. در اوایل بهار نسبة بارانی می‌بارد ولی تابستان ها خشک وآفتابی وباران نادر است. مقدار ریزشهای جوی این ناحیه بطور کلی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلی‌متر سالیانه تغییر می‌یابد.

همین مقدار ریزش جوی و ساختمان آهکی اغلب کوهها سبب گردیده است که مخازن چشمه هائی فراوان دراین ناحیه بوجود آید ومجموعاً سرچشمه شعبات رودهائی بشوند که از دامنه کوهها وارد دشت میشوند و بمصرف زراعت میرسند. همچنین دشت آبرفتی کنگاور که از متلاشی‌شدن سنگهای آهکی ودگرگونی تشکیل شده است در دل خود مخازن عظیم آب را ذخیره می کند بحدی که در پست‌ترین ناحیه دشتی در عمق ۱۵۰ متر بزرگترین مخازن آب ظاهرمیشود. باید گفت که دراین دشت یکی از سفره‌آبهای بسیار غنی مملکت ما قراردارد وبطور کلی عمده دهات پرجمعیت وپرمحصول کنگاور از برکت همین سفره‌آب زیرزمینی بوجودآمده‌اند.

رودخانهٔ گاماسی‌آب[1] از حوالی‌این ناحیه می‌گذرد واز آبهای نفوذی ناحیهٔ کنگاور و یا از مازاد آب‌نهرهای کوچکی که ازکنگاور وارد آن می‌گردندتغذیه می‌شود. پوشش گیاهی‌این ناحیه‌از نوع مدیترانه‌ای‌استودر وضع‌فعلی‌جز سنگهای‌ساختمانی منابع معدنی مهمی ندارد.

۱ـ در عرف عامه رودخانه‌گاماسی آب مرکب از سه کلمه «گا ـ ماسی ـ آب» واصطلاحی‌است بومی‌که آن را چنین ترجمه می‌کنند:

گـا : بزرگ

ماسی : ماهی

آب : آب

و بدین‌ترتیب گاماسی آب بمعنای (رودخانهٔ ماهیهای بزرگ) میشود و اتفاقاً در این رودخانه ماهیان بسیار بزرگ‌حتی‌به‌وزن ۳۰ کیلوگرم دیده میشود . تعبیردیگرآن است‌که گاماسی بمعنای آرام وآهسته و گاماسی‌آب بمعنای رودخانهٔ آرام می‌باشد و این تعبیرهم درست است زیرا حرکت رودخانه در منطقه‌ای‌که بدین نام شهرت دارد آرام است

درخور و بیابانک هم که زبانی قدیمی دارند گاماس بمعنای آرام و آهسته بکار می‌رود .

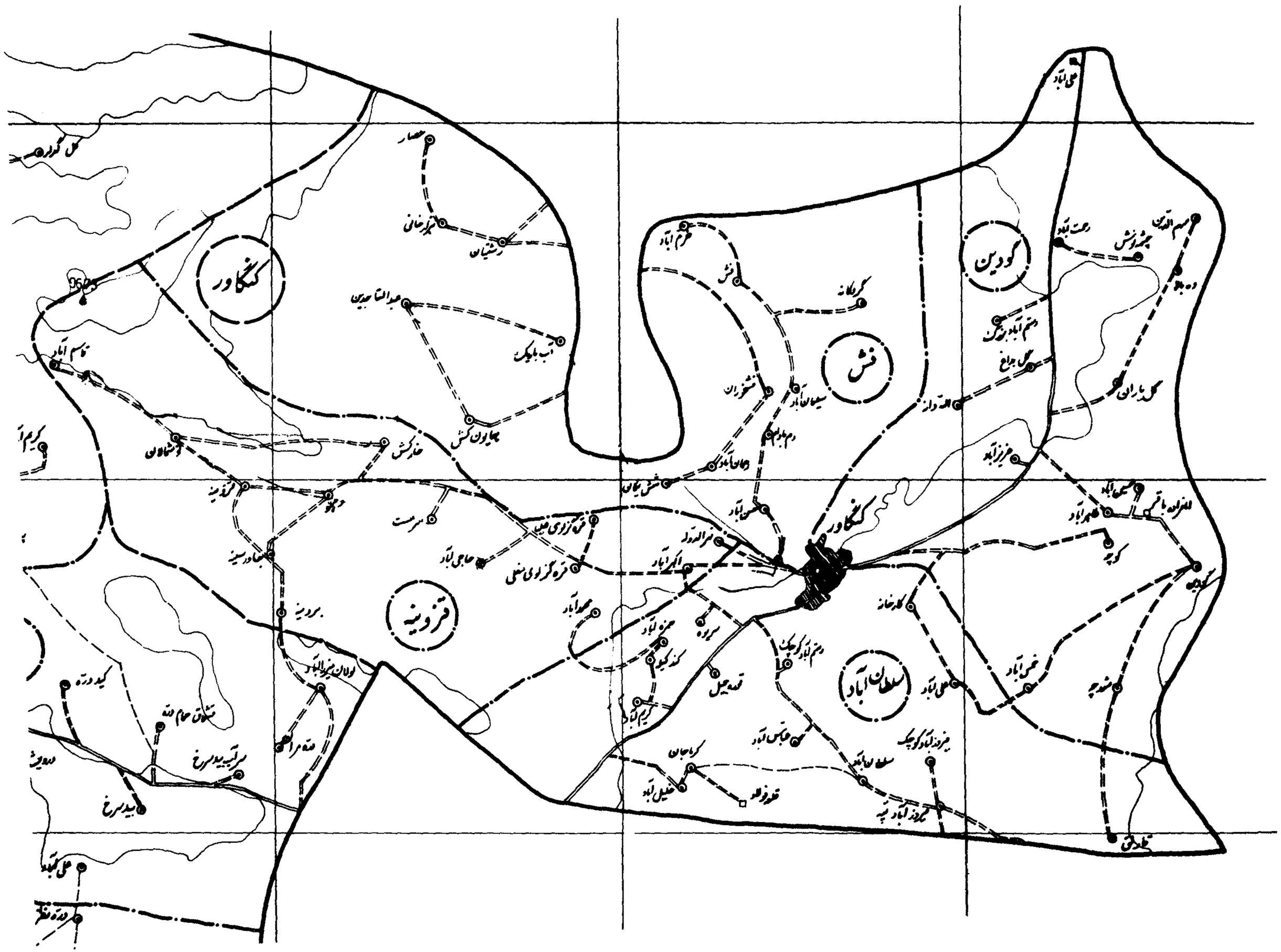
کنگاور
قزوینه
فش
کودین
سلطان آباد
کنگاور
گل گرد
نصار
ترشیان
عبدالله بیدین
آب باریک
ناسم آباد
بهاروان کش
خدرکش
گوشکاوان
گزدینه
سرمست
حاجی آباد
قره گزلوی سفلی
بهادر سفینه
برزینه
گیدرده
مشکان حمام قله
سرتپه بیدسرخ
بیدسرخ
علی گنبد
دره نظر
گرمآباد
فش
گریکانه
شنبه زان
سیمان آباد
دم بلوم
چاه آباد
شش بیکان
نصرآباد
نعره رود
اکبرآباد
محمدآباد
حمزه آباد
کند کبود
کریم آباد
قدمهیل
خلیل آباد
قره قوطه
علی آباد
رحمت آباد
جمشیدرش
دستم آباد بزرگ
گل چراغ
عزیزآباد
کارخانه
دستم آباد کوچک
عباس آباد
فیروزآباد کوچک
فیروزآباد تپه
حسین آباد
شهرآباد
کوپه
شهرچه
قاسم آباد
گل زاران
شهرچه
قاطرچی

شکل شماره ۱

سابقه تاریخی :

خاراکسی جغرافیانویس یونانی در قرن اول میلادی از کنگاور تحت‌عنوان کونکوبار[1] یاد کرده و این قدیم‌ترین نوشتهٔ مدونی‌است که می‌توان به آن استناد جست. تاریخ وجغرافیانویسان عرب وایرانی از قرن چهارم هجری به بعد از این ناحیه نام‌برده‌اند واغلب آنرا (کنکور) نوشته‌اند. از جمله یاقوت مؤلف معجم‌البلدان به سال ۶۲۳ هجری چنین نوشته است:

«کنکور، بکسرالکافین وسکون‌النون وفتح‌الواو : بلیدة بین همدان و قرمیسین وفیها قصر عجیب یقال‌له قصراللصوص ذکرفی‌القصور وهی‌الان خراب...»[2]

قبل از یاقوت نیز سیاحان وجغرافیانویسان به این‌ناحیه اشاره کرده‌اند، از جمله اصطخری‌در کتاب‌مسالک‌والممالک که در ۳۴۰ هجری‌تألیف نموده این‌محل را (قصراللصوص)[3] نوشته‌است. پس‌از وی‌ابن‌حوقل در جلد دوم کتاب‌صورة‌الارض تألیف ۳۶۷ هجری چنین می‌نویسد :[4]

«..... ومن‌اسدآباذ الی قصوراللصوص سبعة فراسخ وهی مدینة وفیها منبراستحدثها مونس‌المظفرومن قصراللصوص الی ماذران سبعة فراسخ ..... ومنها الی بهستون جبل عظیم(فرسخان) وقریة‌هناك تدعی سایسانان.....). در همین قرن به سال ۳۷۰ مقدسی‌در کتاب احسن‌التقاسیم فی‌معرفة‌الاقالیم در مورد بناهای تاریخی این محل چنین می‌نگارد[5]:

۱ـ Concobar

۲ـ یاقوت معجم‌البلدان ص ۴۸۴، چاپ بیروت ، ۱۳۷۶ ه. ق

۳ـ اصطخری : مسالک والممالک ص ۱۹۵، چاپ لیدن، ۱۹۲۷

۴ـ ابن حوقل : صوره‌الارض ص ۳۵۹، چاپ لیدن ، ۱۹۳۹

۵ـ المقدسی : احسن‌التقاسیم فی‌معرفه‌الاقالیم ص ۳۹۳ چاپ لیدن ۱۹۰۶

«..... وقصراللصوص صغیرة بها قصرمن حجارة علی‌اسطوانات واعمـــال عجیبه .... ». عده‌ای دیگر از جمله ابن‌رسته‌در ۲۹۰ هجری وذکریابن‌محمد بن محمود القزوینی درکتاب آثار البلاد و اخبار العباد [۱] وابودلف در سفرنامه خود [۲] ازاین محل یادکرده‌اند. لسترنج [۳] با اقتباس از آثـار نویسندگان اسلامی دربارهٔ کنگاور می‌نویسد :

« بعد از قریهٔ صحنه ولایت کنکوار است که چون در آغاز فتوحات اســـلام هنگام عبور لشکریان عرب از آنجا به نهاوند اهالی آنجا چهارپایان بارکش‌مسلمین رادزدیدند، اعراب‌آنرا قصراللصوص (قلعه دزدان) نامیدند. دراین شهر چنان که ابن‌رسته ودیگران ذکر می‌کنند خسروپرویز برروی‌صفه‌ای، ایوانی ستون‌دارازگچ وآجر ساخته بود. شهرکنگوار شهری بزرگ بود و مسجد آدینـه آن را مونس ، حاجب‌مقتدربالله خلیفهٔ عباسی، ساخته بود. یاقوت می‌گوید صفه‌ای که ساختمان های ساسانیان برفرازآن بناشده بیست‌ذراع اززمین بلندتراست. درحدودبیست‌وپنج میلی مغرب کنگوار خرابه‌های دینور واقع است که‌در قرن چهارم هجری‌پایتخـــت سلسلهٔ مستقل کوچکی بود بنام حسنویه یا حسنویه رئیس طایفه کردی که برآن ناحیه تسلط وفرمانروائی‌داشتند.....»

شهرت کنگاور در دورهٔ اسلامی وهم‌اکنون بخاطر بقایای کاخی‌است که‌قبل ازاسلام برفراز صفه‌ای در محل مرکز بخش فعلی کنگاور از سنگ ساخته‌اند. این کاخ امروز به‌نام معبد«آناهیتا» شهرت دارد و باستان‌شناسان وزارت فرهنگ وهنر ازسال ۱۳٤۷ به‌کاوش‌واحیاء این معبد همت ورزیده‌اند. باگذشت زمان درمحل معبد ۲۱۰ خانه ودکان ساخته شده که‌خود در امحاء این اثر باستانی‌بسیار ارزنده

۱- ٤۷٤ هـ (۱۲۷۵ میلادی)

۲- سفرنامه ابودلف ، ترجمهٔ طباطبائی، ص ٦٥

۳- لسترنج، سرزمینهای خلافت شرقی ترجمه عرفان ص ۲۰۳-۲۰٤

دخالت مؤثـــری داشته است. این ابنیه را باستان شناسی خریداری کرده و اینک به ترمیم وتجدید بنای معبد سخت می کوشد.

به عقیدهٔ یکی از باستان‌شناسان گران‌قدر هیأت باستان‌شناسی معبد آناهیتا[1] ازکاوشهای علمی که تاآخر سال ۱۳٤۹ انجام یافته هیچگونه اثر ونشانه‌ای‌مربوط به قبل از دورهٔ پارتها(اشکانیان) بدست نیامده و برای نمونه حتی‌به‌یک تکه‌سفال از دوره‌هلن(یونانی) برخورد نشده است، بنابراین تاپایان سال ٤۹ بموجب آثار بدست آمده قدمت معبد مرکز بخش کنگاور تازمان پارتها رسیده بود وحداقل ازآن دوره تا این تاریخ‌وجود سکونتهای انسانی رادرکنگاور باید قبول کرد. ازآنجا که کنگاور برسرراه مراکز تمدنهای قدیم‌بین‌النهرین‌و پارس قرارداشته‌و راههای‌عمدهٔ قبل و بعد از اسلام‌ازآن می گذشته است وبمناسبت استعداد خاك وآب‌وهوای مساعد می‌بایست از دیر باز مورد بهره‌برداری‌انسان قرارگرفته باشدو کاوشهای بعدی‌قدمت این محل راآشکارتر خواهد نمود.

نژاد ، زبان ، جمعیت ومشاغل:

مردم کنگاور از نژاد سفید وشعبهٔ هند و اروپائی ومرکب از اقوام کرد ولر و احتمالا تعداد قلیلی از بازماندگان قوم ارمنی[2] می‌باشند در قرون اخیر از مردم ترك‌لهجهٔ نواحی مجاور نیز عده‌ای به این محل کوچ کرده‌اند. ازآن‌جا که‌این‌محل برسر چهار راه قرار داشته اصولا منزلگاه مردم مختلف شده وتحت تأثیر همین موقع وخاصیت جغرافیائی واهمیت معبد آناهیتا، مردم گوناگونی راچه از نواحی مجاور وچه از مراکز دوردست جلب ودر خود جایگزین کرده‌است. مردم فعلی کنگاور ثمرهٔ چنین استقرار وجایگزینی‌جغرافیائی‌هستند و آثار این‌اختلاط اقوام از انواع لهجه

۱ـ سیف‌الله کم‌بخش‌فرد: کاوشهای علمی درکنگاور ـ معبد آناهیتا ص ۳۱

۲ـ عده‌ای‌از مردم قریه بزرگ فش معتقدندکه اعقاب آنها همراه شیرین از «ارمن» بدینجاآمده وساکن‌شده‌اند.

وقیافه وحتی پاره‌ای سنت‌ها کاملا مشهود است. اغلب مردم دهات مختلف که‌در فواصلی نزدیک به‌هم‌زندگی می‌کنند به دو سه لهجهٔ محلی تقریباً مختلف تکلم می‌نمایند. در بسیاری از روستاها لهجه‌های کردی ، لری، ترکی ، بصورت زبان عمومی یک روستا متداول است. گاهی دهی‌یافت می‌شود که مردم‌آن مطلقاً کردی «روستای‌عبدالتاجدین» [1] تکلم می‌نمایند ویا بیشتر جمعیت‌آن کردی صحبت میکنند اما با لهجه خاص ترکی ولری(روستای‌فش[2]). حتی اسامی دهات نیز ممکن است به‌یکی از سه لهجه باشد نظیرده«قارلق» که نامی است بالهجهٔ ترکی وروستای «فش» که اسمی است بالهجهٔ لری وقریهٔ «تارآوا» یا(طاهرآباد) که نامی است در لهجهٔ کردی. اختلاط قومی وزبانی دراین ناحیه بقدری شدید وتاروپودآن چنان درهم بافته است که تجزیه وتحلیل‌آن کارآسانی نیست وخود نیازمند مطالعهٔ جداگانه‌ای است. برای مثال اصل مردم دهطاهرآباد که. ۸۵ نفر جمعیت‌دارد از اقوام‌ساکن درخاوه والشترلرستان بوده‌اند که به علت اختلافات محلی ومبارزات طایفه‌ای ابتدا به تویسرکان وسپس به طاهرآباد آمده درآنجاسکنی گزیده‌اند و بدیهی است که طاهرآباد خود نیز مرکز مردمی قدیم‌تر بوده است. باید زبان بخش کنگاوررافارسی ولهجه مردم راکردی‌ونژاد آنانراازمردم‌واقوام غرب ایران دانست.

جمعیت بخش کنگاور ۳۶۱۲۰ نفراست که در مرکز بخش‌وچهار دهستان متمرکزگردیده‌اند و توزیع جمعیت آن برحسب دهستان ومرکز بخش در جداول مربوط نشان داده شده است.

۱- کلمه به‌صورت متداول محل نوشته شده‌است.

۲- روستای فش بیش از دوهزار نفر جمعیت دارد. اهالی ده معتقدند که «مرآتی‌ها» اصلشان ارمنی بوده ولی امروزه شیعه هستند «حقیقی‌ها» ازگوران سنجابی‌وکرد، « خدابنده‌لوها » اصلا ترك و «عظیمی‌ها» فارس و طایفهٔ «گل‌مراد» کرد . اینها دسته‌های خاص جمعیتی هستند که بـا هم مجموعه‌ای می‌سازند به نام روستای فش با جمعیت واحد.

در سال ۱۳٤٥ جمعیت روستاهـــای بخش کنـــگاور ۲۰۲۸۱ نفر بوده که تا سال ۱۳۵۰ به ۲۳٦۲۰ نفر «۳۹۰۵ خـــانوار» رسیده است. از مقایسهٔ جمعیت سال ٤٥،۵ معلوم می‌شود که در مدت تقریبـــاً پنج سال ۳۳۳۹ نفر به جمعیت روستاهای چهاردهستان فش، سلطان آبـــاد، قزوینه، گودین اضافه شده است. اگر میانگین آهنگ رشد طبیعی جمعیت مملکت را در سال ۱۳۵۰ «سه‌درصد سالانه» براین ناحیه سازش دهیم می‌بایست دراین مدت در حدود ۳۲٤۱ نفر بـه جمعیت روستاهای کنگاور اضافه شده باشد. ظاهراً افزایش عددی جمعیت روستاها به‌قراری که گفته شد باآهنگ‌رشد۳٪ مطابقت می کند ولی‌اگر مهاجرت‌روستائیان به‌شهر کنگاور وسایر جاها در نظرگرفته شود حقیقت جزاین است. از طرفی جمعیت مرکز بخش«شهر کنگاور از نظر مرکز آمار ایران» درسال ۱۳٤۵ بالغ بر۹٤۱٤ نفر بوده که برحسب آمار رسمی محلی درسال ۱۳۵۰ به ۱۲۵۰۰ نفر رسیده‌است. باتوجه به میـزان رشد طبیعی جمعیت «سه‌درصد» دراین سال، جمعیت شهر نمی‌بایست از ۱۰۹۱۵ نفر افزون باشد درحالی که آمار رسمی محلی جمعیت شهر را ۱۲۵۰۰ نفر می‌داند[1]. از این قـــرار آهنگ رشد جمعیت شهر از معیار افزایش سالانـــهٔ رشد

۱ـ آمار بخشداری که تقریباً درست است.

۱- بموجب سر شماری سال ۱۳٤٥ جمعیت شهر کنگاور ۹٤۱٤ نفر بوده است و اینکه درحدود ۱۲٥۰۰ نفر جمعیت دارد .

۲- دهستان فش[1] :

نام ده	جمعیت سال ٤٥	جمعیت سال ٤۹	جمعیت سال ٥۰
فش	۱۷۸٦	۱۸٥۰	۲۰۷٤
خرم‌آباد	۱۷٤	۲۱۲	۱۹۳
رحمان‌آباد	۱۹۹	۲۱٥	۲۳۰
گردکانه	٤۰۳	٤۷۸	٤٥۷
دمبادام	۲۰۸	۲۹۰	۲۳۱
فشخواران	٤۷۲	٥۲٥	٥٤۸
سلیمان‌آباد	۲۹٦	۲٤۱	۳۹۲
شش یکان	۱۱۳	۱۸٥	۱۲٤
آب‌باریک	۲٤۱	۳۹۱	۲۹۷
همایونکش	٦۹	۸۱	۷۷
رشتیان	۳۰٥	٤٦٦	۳٥۰
عبدالتاجدین	٤۰٦	٥٦۲	٥٤۹
حصار	۳۷٥	٥۳٥	۳۸۹
هزارخانی	۱٥۸	۲۲۳	۲۰۰
حسن‌آباد	۲٥۰	۲۸۰	۲۹۸
جمع ۱٥ روستا	٥٤٥٥	٦٥۳٤	٦٤۰۹

۱ — جمعیت سال ٤٥ برآورد مرکز آمار ایران - جمعیت سال ٤۹ برآورد بخشداری محل - جمعیت سال ٥۰ آمارگیری سازمان ریشه کنی مالاریااست که ازاین سه‌برآورد جمعیت ٤٥ مربوط به گذشته واز دوجمعیت سال ٤۹و٥۰ جمعیت ٥۰ جدیدتر و دقیق وقطعی است .

۳- دهستان گودین :

نام ده	جمعیت ۴۵	جمعیت ۴۹	جمعیت ۵۱
گودین	۱۸۰۶	۱۵۱۲	۲۰۶۶
خمیس‌آباد	۵۹۹	۶۴۹	۷۴۵
طاهرآباد	۷۲۴	۶۶۹	۸۵۰
حسین‌آباد	۴۵۸	۴۹۲	۵۴۰
چشمه‌نوش	۲۴۲	۲۹۰	۲۵۸
گلیاران	۱۸۷	۱۸۸	۲۶۳
الله‌دانه	۱۲۱	۱۱۵	۱۴۴
سهم الدین	۱۳۲	۱۷۵	۱۶۴
ده‌بالا	۸۶	۷۵	۷۰
کوچه	۵۰۱	۴۶۷	۵۲۷
علی‌آباد پل	۷۸	۶۰	۲۴۹
شورچه	۴۸۴	۳۳۵	۵۶۴
رستم‌آباد بزرگ	۲۶۱	۲۶۶	۲۱۶
گلبداغ	۳۸	۴۳	۴۰
رحمت‌آباد	۳۹۲	۳۶۵	۴۵۰
عزیزآباد	۶۲	۵۰	۶۷
جمع ۱۶ روستا	۶۱۷۱	۵۷۵۱	۷۲۱۳

٤- دهستان قزوینه :

نام ده	جمعیت ٤٥	جمعیت ٤٩	جمعیت ٥٠
قزوینه	٤١١	٥٧٠	٤٢٩
اکبرآباد	٢٠١	٢٣٢	٢٢١
قاسم آباد	١١٤	١٤١	١٦١
ده‌نو	٣٧٧	٣٩٥	٤٢٠
سرمست	٢٠٢	٢١٣	٢١٨
بردینه	١٨٣	٢٥٠	٢٠٧
قره گزلو سفلی	٣٣٧	٣٧٠	٣٥٩
محمدآباد	٢١٥	١٢٥	٢٢٨
خارکش	١٠١	١١٨	١٠٩
قره گزلو علیا	٢٣١	٢١٢	٢٨٢
جاورسینه	١٤١	١٥٥	١٧٤
حاجی‌آباد	١١٢	١٢١	١٤٣
توشمالان	٣٦٢	٤٢٨	٤١١
نهرالدوله	٢٥١	٢٥٢	٢٨٧
جمع ١٤ روستا	٣٢٣٨	٣٥٨٢	٣٦٤٩

۵- دهستان سلطان‌آباد :

نام ده	جمعیت ۴۵	جمعیت ۴۹	جمعیت ۵۰
سلطان‌آباد	۷۳۰	۸۱۰	۸۸۹
قارلق	۱۰۷۱	۱۱۹۹	۱۳۰۸
خلیل‌آباد	۲۴۵	۳۰۴	۲۷۰
کرماجان	۵۸۹	۶۵۸	۷۰۷
فیروزآباد تپه	۳۹۰	۴۳۸	۴۱۹
فیروزآباد کوچک	۱۸۵	۱۹۲	۲۱۵
رستم‌آباد کوچک	۱۸۸	۱۹۰	۱۶۳
کارخانه	۷۸۲	۶۹۵	۹۹۴
علی‌آباد	۳۴۸	۳۵۲	۱۵۰
عباس‌آباد	۴۰۳	۴۴۰	۵۲۳
گندکیله	۱۱۴	۱۹۳	۱۵۳
حمزه‌آباد	۱۳۲	۷۲	۱۶۰
سریوه	۵۴	۹۵	۵۱
قوره‌جیل	۱۱۹	۱۸۵	۱۰۸
کریم‌آباد	۱۶۷	۲۳۵	۲۳۹
جمع ۱۵ روستا	۵۵۱۷	۶۰۵۸	۶۳۴۹

طبیعی بیشتر است. به عبارت دیـگر ۱۰۸۰ نفر اضافه بر نسبت آهنگ رشد طبیعی جمعیت، اضافه جمعیت وجود دارد. بابررسی که درمحل بعمل آمده علل عمدهٔاین عدم تعادل عبارت‌است:

الف ـ مهاجرت روستائیان، بخصوص خوش‌نشین‌ها[۲] به‌شهر کنگاور.

ب ـ مهاجرت از شهرستانهای مجاور«جزئی»

ج ـ به اغلب احتمال آهنگ رشد طبیعی‌جمعیت بیش از ۳٪ در مرکـــز بخش ودهات تابعه .

بطورکلی از مقایسه جمعیت سال ۴۵و ۵۰ مرکز بخش ودهستانها مشهود می‌گردد که آهنگ رشد طبیعی سالانه جمعیت بیش از ۳٪ بوده و در خدود ۴٪ می‌باشد.

تخمیناً در حدود ۵۰٪ جمعیت ۱-۱۴ سالـــه هستند یعنی جمعیت‌به‌شدت باجوانی روبرو است. گرچه جوانی جمعیت خود یکی از ابتلائات اقتصادی است ولی‌نشان می‌دهد که عواملی نظیر پیشرفت نسبی بهداشت باتوجه به عدم کنتـــرل موالید، رفاه نسبی جامعه روستائی در چند سال اخیر و بخصوص دسترسی‌مردم کلیهٔ دهات بمراکز درمان وطب پیشگیری در شهر به‌علت هموارى نسبی منطقه‌وراههای نزدیک، استفاده ازآب چشمه ولوله کشی، بهره‌وری‌از چاههای‌نیمه‌عمیق،ریشه کنی مالاریا، هوای‌مطبوع و مساعد کوهستانها، وبالاخره مبارزه با بیماریهای مهلک همگانی، سطح مرگ‌ومیر را پائین آورده است. البته در بین‌روستائیان رعایـــت بهداشت به مفهوم واقعی‌آن وجود ندارد ولی درهمین مرحله‌هم خود از عوامـــل بسیار مهم افزایش جمعیت است وقطعاً بایدبرنامهٔ کنترل‌موالیدبسیار سریع‌وبا‌پیگیری دراین ناحیه اجرا شود .

متأسفانه‌آمارگیری سنی در مدت کوتاه مطالعه ونیز بواسطهٔ اشکالات‌دیگری عملی نبود ولی باتوجه کلی به‌افزایش جمعیت میتوان هرم سنی سال ۱۳۴۵ شهر

۲ـ ده‌نشینان فاقد زمین و نسق

نمودار جمعیت شهرستان کنگاور

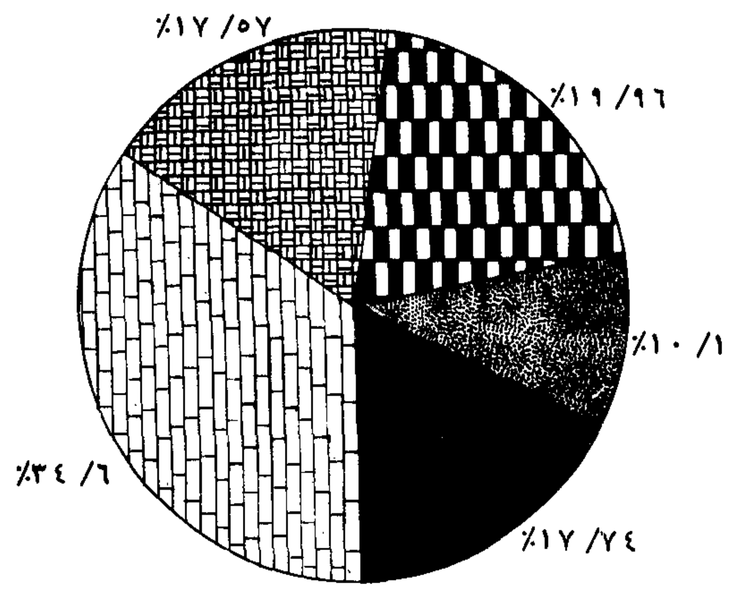

شهر کنگاور

دهستان فش

دهستان گودین

دهستان قزوینه

دهستان سلطان آباد

شکل شماره ۲

هرم سنی جمعیت شهرکنگاور

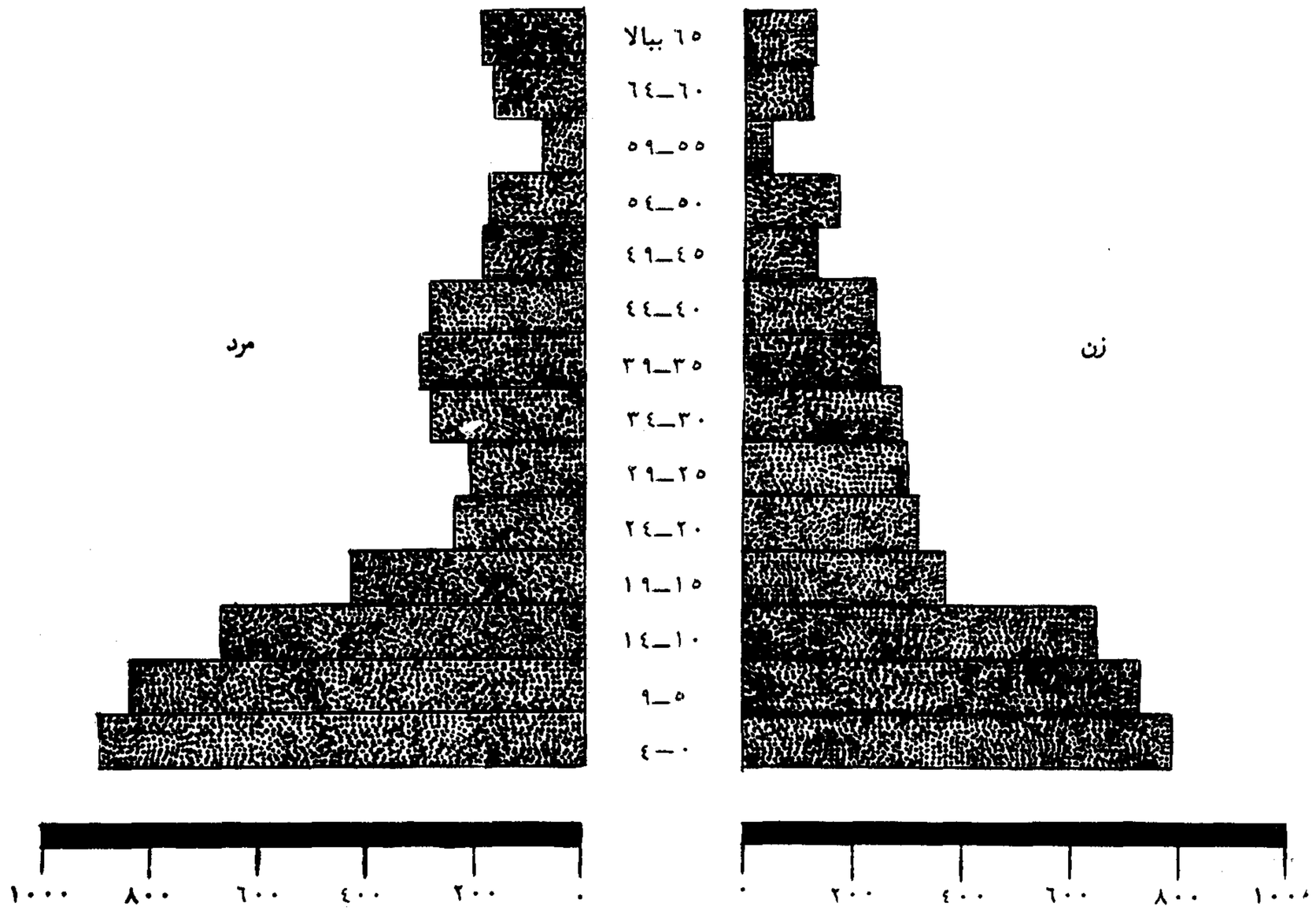

شکل شماره ۳

کنگاور را هنوزهم کم‌وبیش به عنوان نمونهٔ توزیع سنی جمعیت‌قبول کرد.

ازکل جمعیت شاغل شهری در حدود ۱۵٪ به کارکشاورزی ودامداری اشتغال دارند. گرچه‌شهرکنگاور(مرکز بخش) خودشهرك روستائی است ولی «خدمات»برکار مستقیم کشاورزی روی زمین ویا دامداری مطلق برتری دارد .از کل جمعیت روستائی شاغل بیش از ۹۵٪به کارکشاورزی روی زمین و دامداری وحرف ومشاغل وابسته‌به کشاورزی اشتغال دارند.

گرچه قالی‌بافی یکی از صنایع‌محلی وبومی دهات این‌ناحیه‌است[1] ومی‌توان آن‌را مستقل به‌حساب‌آورد ولی‌عمدهٔ کار توسط اطفال کمتر از ۱۴سال‌خانواده‌انجام می گیرد مخصوصاً اطفال ۸تا۱۲ ساله، وزنان ومردان بیش از ۱۸سال استادکارند وتعدادشان قلیل‌است معهذا همین عدهٔ قلیل‌هم به‌حساب ۰۰٪ جمعیت‌غیرکشاورز روستا گذاشته‌می‌شود.

درشهرکنگاور جمعیت شاغل از ده‌سال ببالا بطور مساوی بین کارکنان‌امور تولیدوکارکنان فروش ومشاغل وخدمات تقسیم شده است.

بدین ترتیب می‌شود نتیجه گرفت که درساختمان شغلی جمعیت مرکزبخش (شهرکنگاور) خدمات شهری غلبه دارد ودر ترکیب شغلی جمعیت دهستانهای فش، سلطان‌آباد، قزوینه‌وگودین اشتغالات روستائی بسط پیدا می کند.

تعداد مراکز اصناف موجود درشهرکنگاور در تابستان ۱۵ ازاین قرار است:

بقالی وعطاری ۱۶۵باب، بزازی ۲۳، بارفروشی ۱۰، درودگری۶، مسافرخانه ومهمانخانه۲، بستنی فروشی۲، گرمابه۵، دوچرخه‌سازی۴، مکانیکی۵، قصابی ۱۰، خواربارفروشی۱۵،سمساری۱۵، مصالح ساختمانی۳، آرایشگرمردانه۳، اتوشوئی۲، خشکشوئی۱ که جمعاًدراین ۲۷۱باب مغازه ومحل کار درحدود ۵۰۰ نفر شاغل

۱ـ در حدود ۳۰۰ دارقالی و قالیچه وجود داردکه تقریباً ۸۰درصد آن قالیچه است.

خدماتندو به‌عبارت دیگراصناف جمعاًدرحدود . ٢٪ خانوارهای مقیم‌شهر کنگاور را شامل‌می‌شوند . درشهر کنگاور نیز ٤٪ خانواده‌ها درصنایع (قالی‌بافی- گلیم‌بافی- تهیهٔ گیوه ، بافتن کیسه حمام) اشتغال‌دارند . بقیهٔ‌جمعیت درسایر خدمات وحرف مشغول می‌باشند .

منابع آب

منابع آب‌آشامیدنی‌و کشاورزی بخش کنگاور از چشمه، رودخانه وتعدادی قنات‌فراهم‌می‌شود . شرایط مساعد اقلیمی از جهت ریزشهای جوی وجنس زمین (آهکی - شیستی) و ساختمان‌آن طوری است که‌درپای تپه‌ها وکنار دامنه‌ها ، چشمه‌های فراوان ودائمی که از منابع زیرزمینی در ساختمان‌آهکی تغذیه می‌شوند ظاهر می‌گردند و اغلب مجتمع این چشمه ها را (سرآب) می‌خوانند . وسعت چاله سراب بین ٢٠٠ تا ١٠٠٠ متر مربع تغییر می‌کند وگودی آن از ٥٠ سانتیمتر تا دو متراست که‌درکف‌چاله چندین چشمه«اغلب بیش‌از ٢٠ چشمه» می‌جوشد وپس‌از پرشدن‌چاله‌سرآب‌آب به شکل رودخانه‌ای کوچک وگاهی بزرگ و بطور دائم «به‌عرض ١ تا ٣ متروعمق‌سی‌تا ٦٠ سانتیمتر» برزمین جاری شده بمصرف زراعت‌یک یاچند آبادی مسیروشرب دام‌می‌رسد . تعدادی از این انهار بهم پیوسته واغلب در فصلی که کشاورزان ازآن کمتر بهره‌برداری می‌کنند مازادآب‌آنها به رودخانهٔ اصلی گاماسی‌آب می‌رسد . آبهای نفوذی همین انهار ورودها خود نیز در تغذیه‌رود گاماسی‌آب دخالت دارند .

در بعضی از دهات ناحیهٔ دشتی کنگاور عمدهٔ‌آب زراعتی از چاههای پرآب وکم‌عمق بوسیلهٔ موتورپمپ فراهم می‌شود . اولین‌چاه توسط‌یکی از مالکین‌علاقه‌مند به کشاورزی درسال ١٣٣٢ درمزرعه‌ای نزدیک قارلق حفر شده وازآن پس استفاده ازآب‌چاه جهت زراعت بتدریج معمول گردیده است . عمق این چاهها بطور متوسط ١٤ متر ودر هرحال مکندهٔ‌آنها ٦متر است وهیچگاه با کم‌آبی‌روبرو نمی‌شوند . متوسط

بهره‌برداری از هرچاه ۵ اینچ وحداکثر بهره‌برداری ۱۰ اینچ در ۲۴ ساعت است. حداکثرآب‌دهی چاهها در اواخربهار واوائل تابستان وحداقل‌آن‌دراواخرشهریور واوایل مهر می‌باشد.

درحال‌حاضر یکصدوچهل حلقه‌چاه درده روستا از دهات کنگاور وجود دارد که عبارتنداز :قارلق ۶۲ چاه، سلطان‌آباد ۴، عباس‌آباد ۵، خمیس‌آبادو کارخانه ۱۰، طاهرآباد ۸، حسین‌آباد ۳، چشمه‌نوش ۲، رحمت‌آباد ۶، شهرآباد (کنگاور)و مزرعه حسن‌آباد ۱۰، فیروزآباد تپه ۳۰، و ازمجموع ۱۴۰ حلقه‌چاه ۱۰۵ حلقه درروستاهای دهستان سلطان‌آباد وبقیه در روستاهای‌دهستان گودین واقع هستند. در واقع‌احداث چاه در نواحی خاصی از بخش کنگاورکه سفرهٔ‌آب‌آن ذخیرهٔ کافی زیر زمینی دارد «ناحیه دهستان سلطان‌آباد وتاحدودی دهستان گودین» امکان‌پذیر است. پس‌از اصلاحات ارضی عده‌ای از زارعین صاحب نسق در نقاط مناسب‌پای کوه‌چاه‌زده‌اند که متأسفانه‌آب چندانی ندارد این‌چاه‌ها ازنظر تعداد ومقدارآب قابل‌توجه نیستند. اکنون احداث چاه جدید به‌سادگی ممکن نیست و بموجب قانون باید با رعایت کلیهٔ جوانب فنی وحقوقی به‌حفر چاه اقدام شود وخوشبختانه این امر تحت نظام معینی درآمده است.

طرزآب‌گیری سفره‌آب زیر زمینی ونوع اقلیم به ترتیبی‌است که استفادهٔ‌مداوم ازآب‌چاه آب‌آن‌را سنگین نمی‌کند ویا تبخیرآب اززمین سبب شور شدن زمین نمی‌گرددزیرا در سطح‌آب‌ده ودر اراضی‌آبرفتی مقدار املاح نمکی بسیار ناچیزاست.

ازآنجاکه احداث چاهها واستفاده از سفرهٔ‌آب زیر زمینی بسیار غنی دشت کنگاور در همه‌جا باروش علمی انجام نیافته، مشکلات ونارسائیهایی بخصوص‌پس از تملک‌چاه‌ها از جانب عده‌ای ازکشاورزان‌کم اطلاع بوجود آمده است. بطور متوسط زمین زراعتی لازم برای چاهی آبدار وبا پمپ ۴ اینچ‌در فصل آبدهی ۱۰ هکتار است ولی اغلب مشاهده می‌شودکه زارعی‌چاه زده است وخود مالک چاه پرآبی می‌باشد ولی زمین به اندازهٔ فصل آبدهی ندارد ومازاد آب ونیروی انسانی

به هدر می‌رود و یا زارعی‌در برابر ۲۰ هکتار زمین مزروعی فقط مالک یک چاه چهار اینچی است که آب کافی برای زمین زارعتی خود ندارد. ظاهراً چنین بنظر آمی‌ید که‌اگر در دهی دارای وضع مذکور باشد کم‌آبها که زمین بیشتری دارند می‌توانند از مازاد آب زارعین کم زمین وآب‌دار استفاده کنند اما متأسفانه‌دربعضی از روستاها، ومثلا در قارلق که بیشترین تعداد چاه‌ها را صاحب است(۶۰چاه) اختلافات شدید محلی و پراکندگی ناصحیح زمین‌های مزروعی برحسب منابع آب مانع توزیع منظم ومفیدآب درکل ناحیه می‌شود. در آنجا اغلب مالکین اراضی واقع بین دو قطعه زمین زراعتی که یکی پرآب ودیگری کم‌آب است ـ اجازه احداث جوی وعبور آب نمی‌دهند. در نتیجه دو زارع نیازمند هر دو خسارت می‌بینند و در کل‌منطقه سطح زراعت پائین می‌آید. زارع کم‌آب یا بواسطه کمی بضاعت ویا بخاطر نظارت دقیق برآبهای زیر زمینی که در سالهای اخیر اجرا می گرددنمی‌تواند چاه دیگری حفرکند ورویهمرفته زمین آبی اوعاطل وباطل‌باقی‌می‌ماند. گاهی‌فاصلهٔ بین دو نوع زمین مذکور زیاد است وبه‌علت‌همین‌بعد فاصله، آبرسانی مقدور نیست. خوشبختانه این وضع عمومیت ندارد ودرسطح کل ناحیهٔ کنگاورکم وبیش ونه بمقیاس همگانی کسانی که‌آب‌مازاد براحتیاج‌دارندآن‌را به کشاورزانی که‌آب کمتری دارند می‌فروشند ویا گاهی‌دیده می‌شود که آب‌را دارنده‌چاه، وزمین را زارع دیگری که‌بذروکار هم از اوست می‌دهد ومالک‌آب $\frac{۱}{۳}$ تا $\frac{۲}{۵}$ کل محصول را به‌عنوان حقابه می‌برد.

واحد اندازه‌گیری آب در روستاهائی که چاه و موتور پمپ دارند، اینچ ساعت می‌باشد ولی در بقیه روستاها مختلف‌است که به‌پاره‌ای ازآنها اشاره‌می‌شود.

در بعضی روستاها واحد تقسیم‌آبرا(طاق) می‌نامند که معادل‌است با۶ساعت آب‌آبیاری که بطور متوسط بمصرف‌یک هکتار زمین مزروعی‌می‌رسد وچون هر ۲۴ ساعت ۴ طاق است، بنابراین یک‌هکتار زمین هر ۶ روز یکبار یک طاق‌آب‌سهمیه دارد. سابقاً در برخی از روستاها سایه ملاك اندازه‌گیری مقدار آب بوده وسایهٔ

جسمی یا کوهی و یا درختی را مبنای تقسیم آب قرار می‌دادند و فعلا این طریق منسوخ شده وبجای‌آن واحد ساعت را بکار می‌برند. فی‌المثل در روستای‌محمدآباد (طویله گاه) مجموعه آب‌آبیاری به ٥ سهم تقسیم شده وهر ٢٤ ساعت (یک‌چهار جفتی) ازآب استفاده می کند. گاهی در بعضی نقاط نظیر روستای خرم‌آبادآب‌بقدری زیاد است که استفاده ازآن بهر مقدار ومیزان‌آزاد است ، بدین‌معنی که یک نهر پرآب از چند کیلومتری شمال آن از محلی بنام(سراب‌همدان) سرچشمه گرفته از میان اراضی خرم‌آباد می گذرد. میزان آب شاید بیش از ٢٠ سنگ باشد و در زمستان و تابستان میزان آبدهی‌آن ثابت است ودر طول سال کم‌وزیاد شدن‌وجود ندارد. در حوالی خرم‌آباد ٤ بند ازاین رودخانه جدا شده بمصرف شرب‌مزارع می‌رسد. بعلاوه درخود خرم‌آباد،در قسمت شرق‌آن‌چالهٔ بزرگی به قطر ٩ متر وبه عمق نیم‌متر بنام سراب‌باباجان وجود دارد که از تمـــام قسمت‌های آن‌آب خنک وگوارائی بیرون می‌زند ومقدارآن نیز همیشه ثابت است. تمامی‌آب این چشمه در روستاهای فش وفشخواران مصرف میشود زیرا علاوه برآنکه خرم‌آباد بدین آب نیازی ندارد گود بودن این سراب نسبت به زمینهای مزروعی‌خرم‌آباد نیز استفاده ازآنرا هیچگاه‌مورد توجه قرار نداده است. گاهی آب ازده معینی سرچشمه می گیرد و براساس تقسیمات خاصی به دهات پائین دست داده می‌شود. برای مثال در٣ کیلومتری شمال طاهر آباد چشمه بزرگی است که از زمین بیرون می‌آید (شبیه سراب خرم آباد) و اهالی به‌آن «سیاه کمر» گویند. آب این چشمه بشرح گردش ذیل به مصرف آبادیهـــای پائین دست می‌رسد.

١ ـ ده بالا	٤ شبانه روز
٢ ـ حسین‌آباد	٦ شبانه روز
٣ ـ طاهرآباد	٧ شبانه روز

نام روستا	مهمترین منابع آب زراعتی			
	قنات	چشمه	رودخانه	چاه نیمه عمیق
رستم‌آباد بزرگ	×			
سهم الدین			×	×
شورچه	×			
طاهرآباد			×	
عزیزآباد	×			
علی‌آباد	×			
کوچه			×	
گل بداغ	×	×		
گل یاران		×		
گودین			×	
حمزه‌آباد			×	
خلیل‌آباد			×	
رستم‌آباد کوچک			×	
سریوه			×	
سلطان آباد			×	×
عباس‌آباد			×	
علی‌آباد			×	

نام روستا	مهمترین منابع آب زراعتی			
	قنات	چشمه	رودخانه	چاه نیمه عمیق
جاورسینه		×		
حاجی‌آباد		×		
خارکش		×		
دهنو	×	×		
سرمست		×		
قاسم‌آباد		×		
قره گزلوی‌سفلی		×	×	
قره گزلوی علیا		×	×	
قزوینه		×		
محمدآباد		×	×	
نهرالدوله			×	
الله‌دانه		×		
چشمه نوش	×			×
حسین‌آباد			×	×
خمیس‌آباد	×			×
ده‌بالا			×	
رحمت‌آباد	×			×

نام روستا	مهم‌ترین آب زراعتی			
	قنات	چشمه	رودخانه	چاه نیمه‌عمیق
آب باریک			×	
حسن‌آباد			×	×
خرم آباد			×	
دم‌بادام			×	
رحمان‌آباد			×	
رشتیان		×		
سلیمان آباد			×	
شش‌یکان			×	
عبدالتاجدین		×		
فش			×	
فشخواران			×	
گردکانه	×			
هزارخانی		×		
همایون‌کش		×		
اکبرآباد			×	
برزینه		×		
توشمالان		×		

نام روستا	مهم‌ترین منابع آب زراعتی			
	قنات	چشمه	رودخانه	چاه عمیق
فیروزآباد تپه				×
فیروزآباد کوچک				×
قارلق	×			×
قوره چیل			×	
کارخانه				×
کرماجان			×	
گندکیله			×	

پوشاك ، ابزار كار ، مسكن :

لباس مردم این بخش مانند ترکیب جمعیت آن شکل خودرا از پوشاك بومیان ومهاجرین اولیه که دراین محل سکنی گزیده‌اند می گیرد. هرجا که مجاور منطقهٔ کردنشین ویا دامنه است ومردم آن از اعقاب کردها هستند لباس کردی ولی نه بصورت کامل وتمام‌عیار وباسنت مخصوص خود جلوه گر است وپوشاك کامل مرد یازن ترکیبی است از لباس کردی وغیر کردی(معمولی)، شلوارهای گشاد ودم‌پا باریك(دمه‌قوپان) در میان آنان زیاد رواج دارد ـ ازاین قبیل است لباس مردم روستاهائی نظیر خرم‌آباد ومحمدآباد. گاهی دردهی لباس مردان ازفرم وشکل معمولی تبعیت می کند ولی زنان لباس کردی را حفظ نموده‌اند(نمونه ده‌محمدآباد). گاهی قسمتی از لباس کردی جای لباس کار را می گیرد مثلا در محمدآباد ویادهاتی نظیرآن مردان لباس غیر کردی می‌پوشند ودر موقع کار شلوار کردی بپامی کنند. بانزول از دامنه وورود به دشت ونزدیك شدن به نواحی مجاور «نهاوند، تویسرکان، اسدآباد» لباس معمولی غلبه پیدا می کند. درپاره‌ای ازآبادیهای دشت اثراتی از لباس لری مشاهده میشود(نمونه‌فش). در مرکز بخش یعنی شهر دوازده‌هزارنفری کنگاور لباس مردم بطورکلی معمولی است.

در دهات پارچه بافی معمول نیست وروستائیان مواد اولیهٔ لباس را ازبازار مرکز بخش ویا شهرهای مجاور فراهم می کنند وروشن است که شهرخود پارچهٔ مورد احتیاج را از بازارهای سایر شهرها تهیه مینماید. بازار عمده واصلی مردم شهر کنگاور شهر کرمانشاه است وتوجه به پایتخت برای تهیهٔ نیازمندیهای مردم معمول می‌باشد.

ابزار کار از نوع مشاغل مردم واحتیاجات آنان منشأ میگیرد وچون کارعمده واصلی مردم روستاها کشاورزی است بیش از هر کالای ساخته شده به‌ابزار کشاورزی نیازمندند. ابزار کشاورزی اصولا بدو دسته فلزی وچوبی تقسیم میشود وابزارفلزی غالباً از نوع وطرح ابزار جدید کشاورزی است.

از طرفی وضع ناهمواری ده وجنس خاك‌آن درانتخاب ابزار وآلات کشاورزی دخالت دارد. مثلا در روستای عبدالتاجدین وضع پستی وبلندی اراضی مزروعی طوری است که نمی‌توان از وسائل ماشینی وتراکتور جهت شخم استفاده نمود ویا اگر در دهی مانند آن‌جا اقتصاد روستائی اصولا برپایهٔ دامداری باشد به استفاده از وسایل نوین کشاورزی توجهی نمی‌شود. در دهات دشتی که ناهمواری کمتری دارند ومخصوصاً در روستاهای پرآب، کشاورزی مکانیزه واستفاده از وسایل جدید ازقبیل تراکتورو کمباین وابزار فلزی ونوین وابسته به‌آن، به شدت‌رواج دارد. ناگفته نماند که‌در جنب همین اراضی کشاورزی مکانیزه، درمزارع متفرق ولی‌معدود، روستائیان با ابزار قدیمی ویامرکب از قدیمی وجدید کشت‌وزرع می کنند. میتوان گفت که عمدهٔ محصول کشاورزی «گندم ، جو ، چغندر وصیفی» بوسیله آلات و ابزار جدید کشاورزی و هم قسمتی از وسایل قدیمی کشاورزی بعمل می‌آید. گاوآهن باخیش فلزی واز همان نوع که در سراسر ایران رواج دارددرکارکشت وزرع هنوز دراینجا جائی‌دارد. وسایل فلزی کاویدن‌زمین، سرزسازی، وسایل‌چوبی وفلزی‌خرمن کوبی، باددادن‌غلات، درو، وجین، شخم، باربندی، عمده وسایل کشاورزی را تشکیل می‌دهد.

کمباین غالباً اجاره می‌شود وعدهٔ کثیری از دهقانان تراکتور را نیز اجاره می کنند. از ابزار جالب درو دراین محل‌آلتی چوبی‌است که برای چسبیدن به انگشتان دست دارای دوشاخه نظیر دستکش‌است ودوانگشت درآن جای‌می گیرد. این آلت ازاین‌رو مورد استفاده قرار می گیرد که بتوان مقدار بیشتری از ساقهٔ گندم‌را در حین درو در دست نگهداشت.

دراین ناحیه شکل‌ده که از مجموعهٔ مساکن‌روستائیان تشکیل می گردد از وضع ناهمواری زمین و منبع آب مورد شرب و یا بستر جویبار ورودخانه پیروی می کند ولی در هر صورت دهات ازنوع‌مجتمع و متمرکز می‌باشد واگر از جهت آبراهه استفاده نمایند فرم‌آن طولی است. دهاتی که‌درکنار دامنه قرار دارند مرز

مجاور دامنهٔ آنها مرز بسته است ولذا در امتداد قاعـدهٔ دامنه ودر آنجهت گسترده میشوند وخانه‌ها از نوع تراسی‌شکل پیروی‌میکنند. در جوارده ونزدیک منازل‌باغ یا باغهـائی اراضی مشجر را تشکیل می‌دهندوگاهی درامتـــداد جویبار و شهر درختکاری دالانی مشاهده میشود. اراضی مزروعی در همه‌جا مجاور ده می‌باشدو دراطراف وبه فاصلهٔ نزدیک وتقریباً متصل به روستا قراردارند. در دهاتی کـه در دامنه‌های کوهستانی واقع هستند، برجستگی‌های سنگی، اراضی‌مزروعی دیم‌زار را محدود می‌کند. در دشت ودره‌تاهرجا آب سوار شود و کفایت کند اراضی مزروعی آبی ادامه پیدا می‌کند. در دهاتی که از منبع چاه آب برای زراعت استفاده کنند اراضی مزروعی در دور و یا دریک طرف چاه مربوط متمرکزمیشود. حدود مزارع هرزارع بواسطه کرت‌بندی وجوی‌سازی مشخص میشود واراضی مزروعی‌یک‌ده‌دشتی بدون اطلاع قبلی از مرزبندی قراردادی اغلب یکپارچه ویک کاسه بنظر می‌آید. گاهی اراضی مزروعی چند زارع برحسب نوع محصولات در یک ناحیه متمرکـــز میشود زیرا بمناسبت مرغوبیت زمین این قطعه بزرگ برای کشت خاص مناسب تشخیص داده شده است.

مصالح عمدهٔ بنادر روستاهای دامنه‌ای گل‌وخشت می‌باشد ولـی پی‌اغلب ساختمانها سنگ است زیرا درجوار هر روستا سنگ کافی در دسترس‌است، پی‌دیوارها عموماً تا نیم‌متر از سنگ است وپس‌ازآن بروی پی سنگی‌خشت‌بکار رفته و بقیـهٔ دیوار از خشت بالا میرود. گاهی خشت وچینه توأم ویا تنها چینه‌است. قطردیوارها درحدود ۰ه سانتیمتر وحیاط هرخانه بادیوار وبارتفاع تقریبی ۲ متر از دیگری‌مجزا میشود. سقف بنا از تیرهای تبریزی وحصیر وگاهی هم از شاخه‌های نازك درختان پوشیده شده وروی‌آنرا کاهگل کرده‌اند. نمای خارجی بنا نیز عموماً کاهگلی‌واکثر خانه‌ها یک طبقه است واگر وضع اقتصادی ودرآمد زارع خوب باشد بنای‌دوطبقه هم یافت‌میشود. از اطاقهای فوقانی اغلب برای پذیرائی از مهمـــان ویا نصب داربست قالی استفاده میشود.

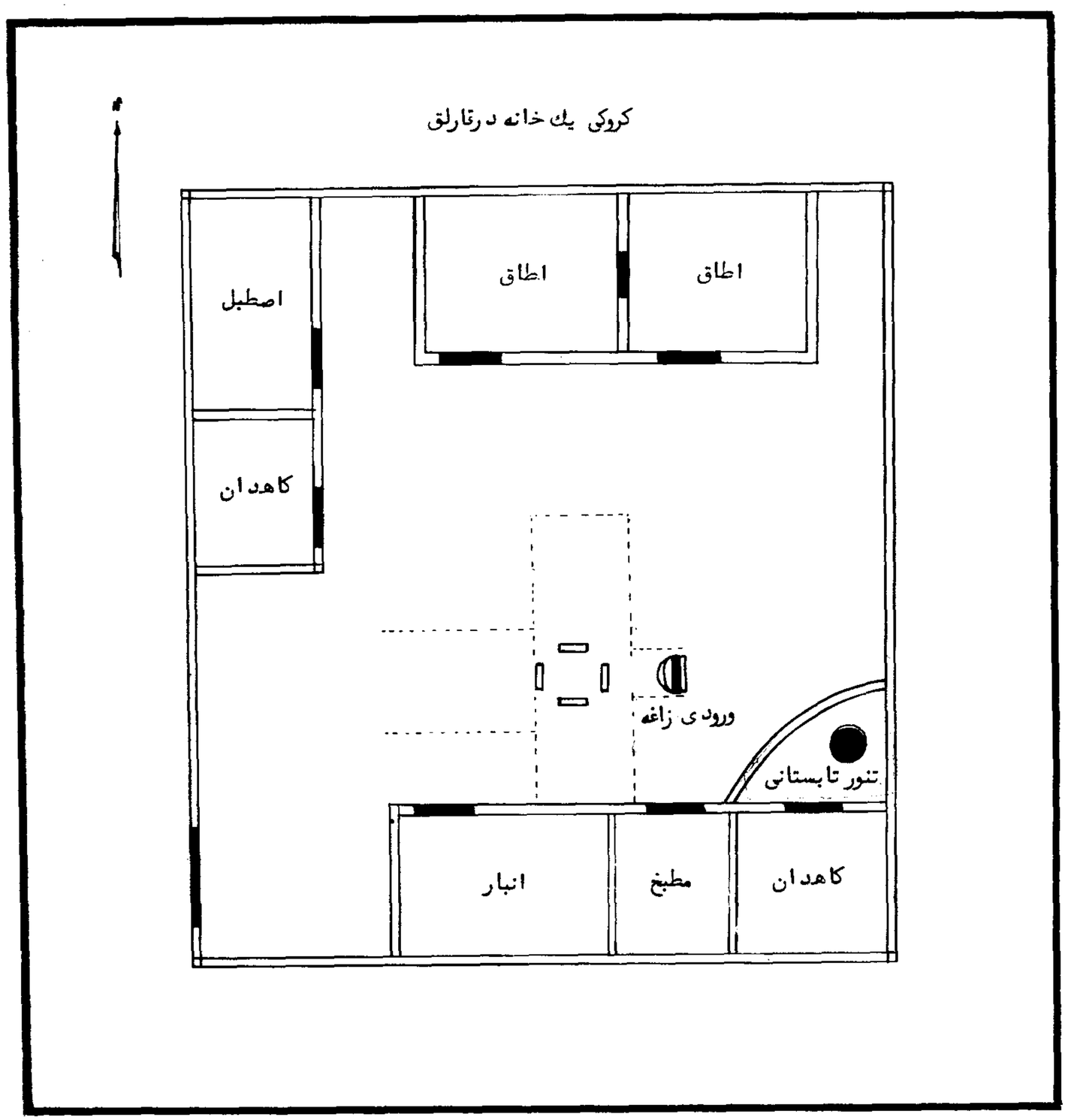

شکل شماره ٤

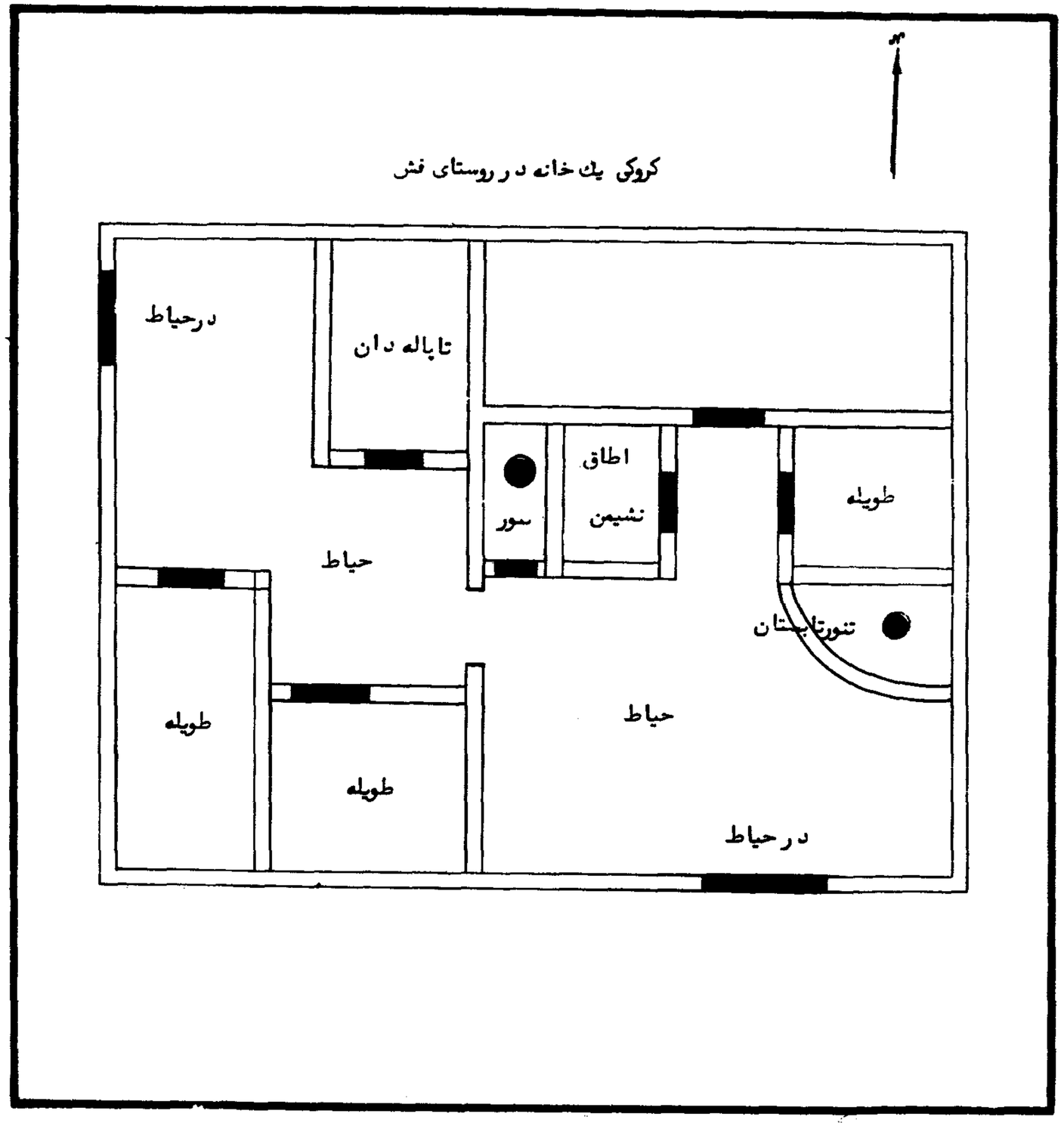

شکل شماره ٥

اگر در روستائی دامداری اساس زندگی اقتصادی‌را تشکیل دهدخانه‌دارای آغل وطویله می‌باشد وچون محصول پشم که وابسته به دامداری«گوسفند» است قالی بافی را رواج می‌دهد ایجاد بنا برای کارگاه قالی بافی الزام‌آور می‌شود.

دراین‌ناحیه وبخصوص در روستاهای دامنه‌ای سوخت‌زمستان‌یکی‌از موادمهم موردنیاز مردم‌راتشکیل‌می‌دهد وبیش‌ازهرچیز سوخت‌تاپاله[1] (مدفوع گاوو گوسفند) رایج است که باید خشک شدهٔ آنرا انبارکنند وازاین‌رو در هر منزل ایجاد تاپاله‌دان یا انبار سوخت زمستان از قسمتهای اصلی بناست واطاقی بدان اختصاص‌می‌یابد. برای پختن نان در زمستان در داخل اطاق نشیمن یا یکی از اطاقهای دم‌دست‌تنور وجود دارد که پس ازطبخ‌نان بالای تنورکرسی قرار داده اهل خانه در دور آن گرم میشوند. برای طبخ نان در تابستان درگوشه‌ای از ایوان تنور تعبیه شده‌است واهل خانه در تابستان به علت سردی نسبی‌هوا دربعضی‌از شبها بر روی‌آن کرسی گذاشته بدورآن میخوابند.

دراطاقها همه از تخته است که بوسیله استادکاران محلی ساخته می‌شود. کف اطاقها بطور متوسط در حدود ۷۰ سانتیمتر ازکف زمین بالاتر است و دیوار اطاق‌هارا از داخل‌با گل‌رس‌روکاری می‌کنند. عمل روکاری وگل‌مالی داخل اطاقها از مشاغل اختصاصی زنان خانه است ولی ساختن دیوارها بعهدهٔ مردان خانه وبناهای محلی است که عموماً خوش‌نشین می‌باشند. در هر صورت چوب‌بست سقف باید بوسیله استادکاران محلی انجام شود.

در روستاهای دشتی پی‌ساختمانها اکثر سنگی است ولی گل‌وخشت‌وچوب، مصالح عمده بنا را تشکیل می‌دهد. دراین قبیل روستاها سنگ را از مرتفعات‌مجاور که اغلب فاصلهٔ زیادی باروستا ندارد می‌آورند. دراین نواحی‌هم معمول چنین است که پی‌ساختمان را تا نیم‌متربا‌سنگ می‌چینند ودر روی‌آن دیوار خشتی‌ویا چینه‌ای می‌نهند. ضخامت دیوارها نیم متر وارتفاع‌آن برای خانه‌های یک‌طبقه در حدود ۳/۵ متر وبرای خانه‌های دوطبقه در حدود ۶ متر است ودر مجموع، ارتفاع

---

۱ ـ تپاله

سقف آنها ازمساکن ومنازل دامنه‌ای بلندتراست. سقف‌ها را با تیرهای تبریزی پوشانده برروی‌آنها حصیرهای ترجینی ساخت همدان قرار می‌دهند بطوریکه ازداخل‌اطاق کاملا پیدا است. روکاری دیوارهای خارج ساختمان کاه‌گلی وروکاری داخلی اغلب ساختمانها ازگل سفید است واگر قدرت اقتصادی زارع اجازه دهد گچکاری وسفیدکاری‌هم معمول است.

ناگفته نمـاندکه از دو سه سال پیش در روستاهای بزرگ پردرآمد چه در دامنه و چه در دشت مصالح دیوار معدودی از ساختمانهـا بجای خشت وگـل به‌آجر تبدیل شده واصول بنائی شهری بیشتر رعایت میشود.

در روستاهای دشتی چون اساس زندگی اقتصادی ساکنان آن بر مبنای کشت وزرع است از این رو مساکن آنها علاوه‌بر اطاقهای نشیمن دارای انبار وکاهدان است وچون اغلب دامداری در حد رفع نیاز خانوار مرسوم می‌بـاشد خانهٔ خوش‌نشین‌ها وروستائیان کشاورز دارای طویله است. دراینجا هم برای نگهداری‌سوخت زمستان اطاقی را به تاپاله‌دان اختصاص می‌دهند وبرای پختن نان نیز اطاقی جدا اختصاص داده می‌شود. بدین ترتیب تجهیزات‌خانه که برمبنای نیازهای روستـا تشکیل میشود عبارتند از: اطاق نشیمن ـ اطاق مهمـان ـ مطبخ ـ اطاق تنور ـ طویله ـ تاپاله‌دان ـ انبار ـ آبریزگاه ـ کاهدان. اطاق نشیمن وپذیرائی و مطبـخ عموماً دارای طاقچه‌های متعدد هستند ودر روی طاقچه‌وسایل‌خانه گذاشته‌می‌شود. دراین‌جا کف اطاق‌ها ازسطح زمین بیش از نیم متر ارتفاع دارد و دارای ایوانی است بعرض ۱/۵ الی ۲ متر وایوانها بوسیله ستونهای تیر تبریزی پابرجا است.

چه در روستاهای دامنه‌ای وچه درآبادیهای دشتی، خوش‌نشینها در حیاط خود تعدادی اطاق نشیمن (مازاد براحتیـاج) ساخته آنهـا را اجاره می‌دهنـد و مستأجران عموماً باز از خوش‌نشینهای روستا، ویا در دهات بزرگ‌ازمأموران دولتی هستند.

متوسط وسعت حیاط منازل دامنه‌ای ۲۰۰ متر ودشتی ۳۰۰ تا ۴۰۰ متـر

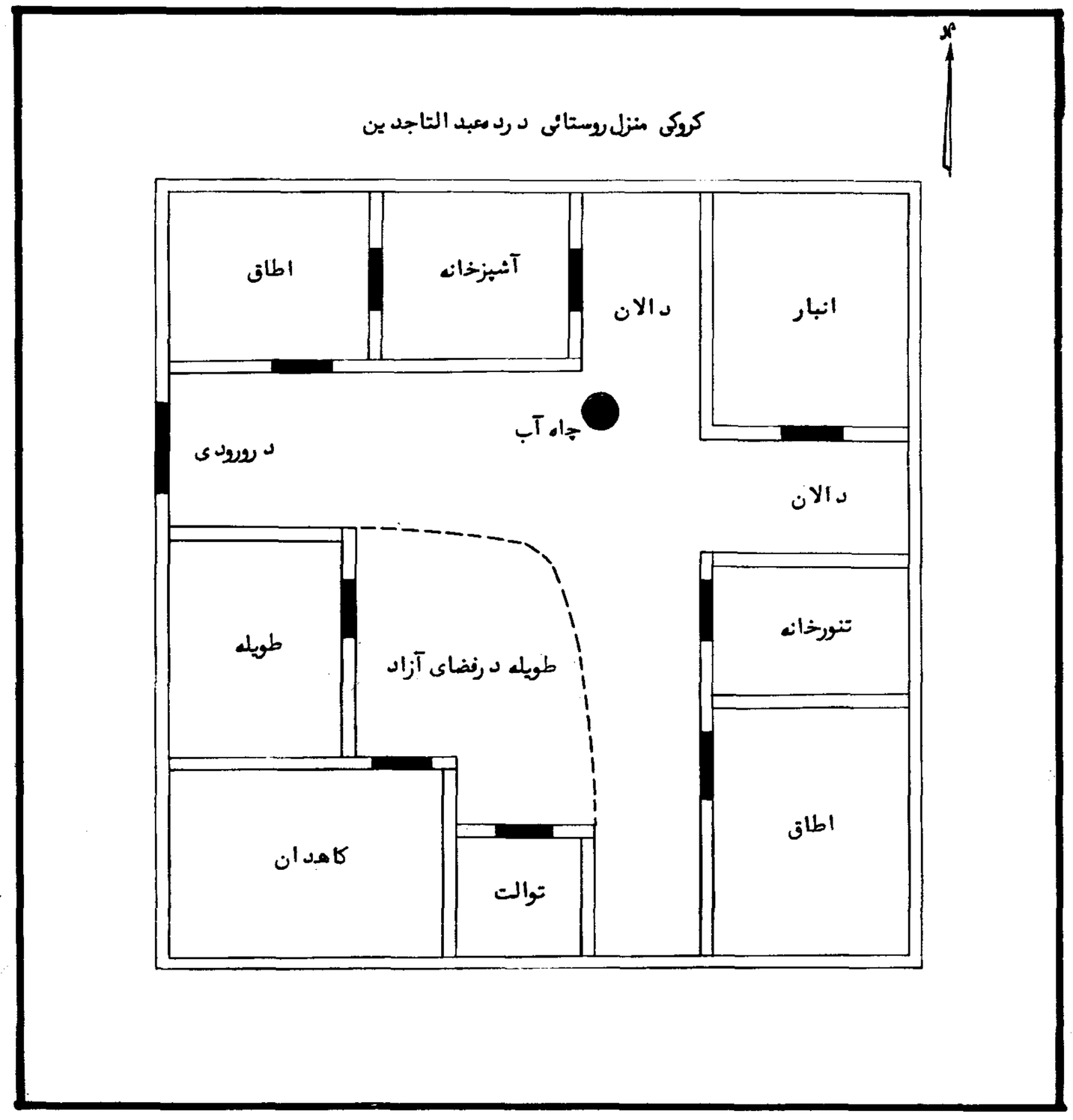

شکل شماره ٦

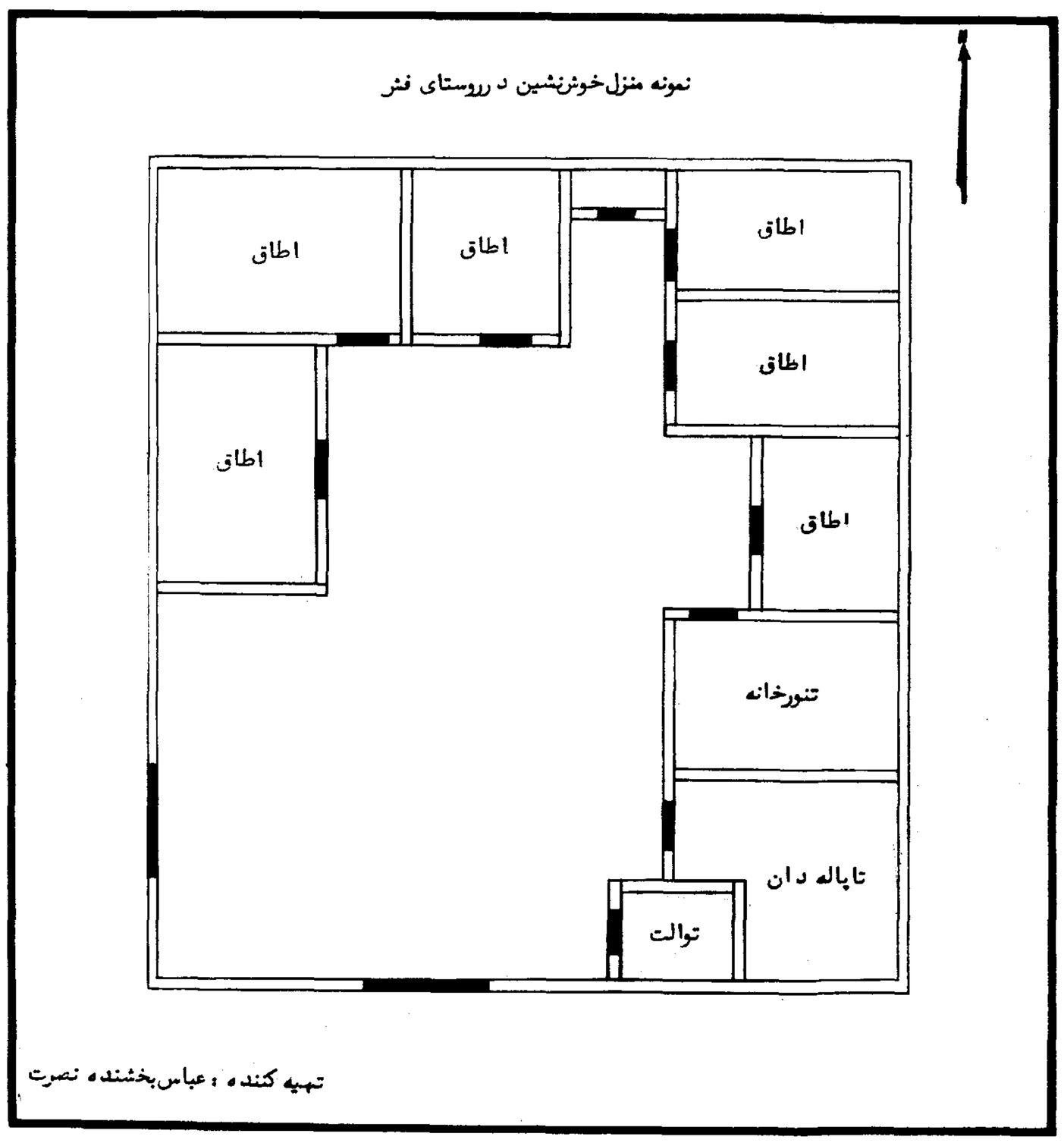

شکل شماره ۷

است. چه در روستای دامنه‌ای وچه در دشتی اگر تعداد گوسفندان زیاد باشد زاغه هم به منزل اضافه میشود . زاغه در واقع زیر زمینی است که بـــرای نگهداری گوسفندان در زمستان از آن استفاده می گردد. نگهداری گوسفند در زاغه دو فایده دارد ، یـکی بطور طبیعی گرم است و دیـــگر اینکه از آفت کنه بـدور است . زاغه‌ها عموماً حدود ٤ تا ٥ متر در عمق زمین حفرمی گردنـــد وبوسیله ۱۵ تا ۲۰ پله باسطح حیاط ارتباط می‌یابند. وسعت هر زاغـــه بطور متوسط ٤ ۲متر(بطول و عرض چهار وسه وارتفاع دومتر) است و داخل آن نورگیر نیست. عموماً زاغه‌ها را برحسب احتیاج از جهت تقسیم بندی انواع دام ویا تعداد دام دو قسمتی یا سه قسمتی می‌سازند بدین ترتیب که در سه طرف انتهای تحتانی پله « دالان یا مدخل ورود » سه‌درگاه می‌سازند وهردرگاه درحکم در هرزاغه است یعنی‌سه‌زاغه با یک مدخل می‌باشد.

زاغه‌ها از سقف خود که شاید دو سه متر ضخامت دارد بوسیله یک روزنهٔ کوچک به خارج راه دارد که بهنگام لزوم برای تهویه مدتی بازگذاشته می‌شود. قطر این روزنه‌ها بطور متوسط ده سانتیمتر است . کف زاغه را همیشه تمیز میکنند وتاپاله‌ها را نیز ازآن خارج می‌سازند وپس ازگردو پهن کردن درآفتاب خشکانیده بمصرف سوخت می‌رسانند.

ایجاد زاغه علت اقتصادی وطبیعی دارد چون طویله‌ای است بسیارکم‌خرج وگرم که با حفر زمین که صرفاً به کار خود خـــانوار بستگی دارد درست می‌شود درحالی که اگر بنا باشد اصطبل بسازند برای دیوارچینی وسقف کردن‌آن بایـــد متحمل هزینهٔ زیادی گردند از این گذشته گرم کردن اصطبل در زمستان سرد آنجا بسیار مشکل است وحتی اغلب اوقات که روستائیان هنـــگام کار احساس سرمای شدید می‌نمایند داخل زاغه شده درمیان گوسفندان گرم می‌شوند . علاوه‌براین‌مزایا ایجاد زاغه از وسعت حیاط‌ئمی کاهد ودام‌هم از دستبرد درامان است.

دراغلب دهات در انتهای اطاق نشیمن، اطاق کوچکتری (صندوقخانـــه)

وجود دارد که بمنزلهٔ انبارآذوقهٔ خانوار است. دراین انبار خمره‌های بزرگ گلی تعبیه شده است که به‌آن(تاپو)یا کنو می گویند . ارتفاع این‌خمره‌ها معمولادر حدود ۲ متر و قطر آن ۱/۵ متر می‌باشد وگندم و یا جو در آن نگهداری می کنند. در بعضی ازخانه‌ها در حیاط گودال عمیقی‌به‌عمق ۳ متر وبقطر دو متر حفرمی کنند که گندم را پس‌از برداشت برای ذخیرهٔ زمستانی درآن گودال که به‌نام(چال گندم) معروف است نگهداری می کنند.

متأسفانه به علت کمی‌فرصت، تحقیق در نحوهٔ مالکیت مساکن مقدور نشد ولی بامراجعه به فهرست خانه‌وخانوار چگونگی نسبت‌خانوار به‌خانه‌در دهستانهای کنگاور روشن می‌شود.

کشاورزی

بخش کنگاور را اصولا باید ناحیه‌ای کشاورزی نامید زیرا عمدهٔ کارمردم زراعت است ودرآمدآنان از اقتصاد روستائی حاصل می‌شود. غلات(گندم‌وجو) صیفی، چغندرقند، حبوبات، خشخاش، وعلوفه ارقام عمدهٔ محصولات کشاورزی‌را تشکیل می‌دهد. دراغلب روستاها گوسفندداری وپرورش تعدادی گاو نیز همراه کشت‌وکار معمول است ودریکی‌دو ناحیهٔ کوهستانی(روستای‌عبدالتاجدین)وجود مراتع دامنه‌ای‌وکوهستانی حتی گله‌داری را به‌شکل حرفهٔ خاص شبانی بوجود آورده‌است.

مساحت کل اراضی مزروعی‌آبی ودیم کنگاور باتوجه به‌آیش‌دیم محل ۳۲۱۳۲ هکتار می‌باشد که توزیع‌آن برحسب دهستان وده ومرکز بخش به شرح جدول مربوط است :

جدول خانه و خانوار

۱ـ دهستان فش :

نام ده	تعداد خانه	تعداد خانوار
آب باریک	۵۱	۴۸
حسن‌آباد	۵۱	۵۱
حصار	۵۴	۶۳
خرم‌آباد	۳۸	۳۲
دمبادام	۳۶	۴۰
رحمان‌آباد	۳۸	۴۰
رشتیان	۶۶	۶۶
سلیمان‌آباد	۵۷	۶۲
شش‌یکان	۲۰	۱۹
عبدالتاجدین	۸۲	۹۶
فش	۳۳۷	۳۱۹
فشخواران	۸۲	۸۴
گردکانه	۸۲	۷۷
هزارخانی	۲۸	۳۲
همایونکسش	۱۳	۱۳
جمع روستا ۱۵	۱۰۳۵ خانه	۱۰۴۲ خانوار

۲ـ دهستان گودین :

نام ده	تعداد خانه	تعداد خانوار
الله‌دانه	۲۳	۲۰
چشمه‌نوش	۳۶	٤۱
حسین‌آباد	۸۲	۸٤
خمیس‌آباد	۱۰٤	۱۱۷
ده‌بالا	۱۱	۱۱
رحمت‌آباد	۸۲	۷۹
رستم‌آباد بزرگ	٤۲	۳٥
سهم‌الدین	۳۲	۳۰
شورچه	۸٥	۱۰۰
طاهرآباد	۱۳٥	۱۳۳
عزیزآباد	۱۰	۱۲
علی‌آباد	٤۳	٤۲
گل‌بداغ	۷	٥
کوچه	۷۳	۷۹
گلیاران	۳۹	٤٥
گودین	۲۹۹	۳۳۰
جمع ۱٦ روستا	۱۱۰۳ خانه	۱۱٦۳ خانوار

۳ـ دهستان قروینه :

نام ده	تعداد خانه	تعداد خانوار
اکبرآباد	۳۷	۳۸
بردینه	۳۲	۳۳
توشمالان	۷۲	۶۸
جاورسینه	۲۶	۲۸
حاجی‌آباد	۱۹	۲۱
ده‌نو	۶۲	۷۵
سرمست	۳۴	۴۱
خارکش	۱۷	۱۹
قاسم‌آباد	۲۸	۲۷
قره‌گزلوسفلی	۵۱	۶۶
قره‌گزلوعلیا	۴۴	۴۸
قزوینه	۷۳	۷۳
محمدآباد	۳۶	۴۲
نهرالدوله	۴۹	۵۰
۱۴ روستا	۵۸۰ خانه	۶۲۹ خانوار

٤- دهستان سلطان‌آباد :

نام ده	تعداد خانه	تعداد خانوار
حمزه‌آباد	۲۰	۳۱
خلیل‌آباد	۳٤	٤۸
رستم‌آباد کوچک	۲۵	۳۰
سریوه	۵	٦
سلطان‌آباد	۱٤٦	۱۵٦
عباس‌آباد	۷۹	۸۱
علی‌آباد	۲۰	۲٦
فیروزآباد بزرگ	۷۰	۷۳
قارلق	۲۲۷	۲۲۹
قوره‌چیل	۱۸	۱۹
کارخانه	۱٤۲	۱۵۸
کرماجان	۱۱۹	۱۲٦
کریم‌آباد	۱٦	۲٤
کند گیله	۲۰	۲۷
فیروزآباد کوچک	۳۵	۳۷
جمع ۱۵ روستا	۹۷٦ خانه	۱۰۷۱ خانوار
جمع کل ٦۰ روستا	۳٦۹٤ خانه	۳۹۰۵ خانوار

نمودار اراضی آبی

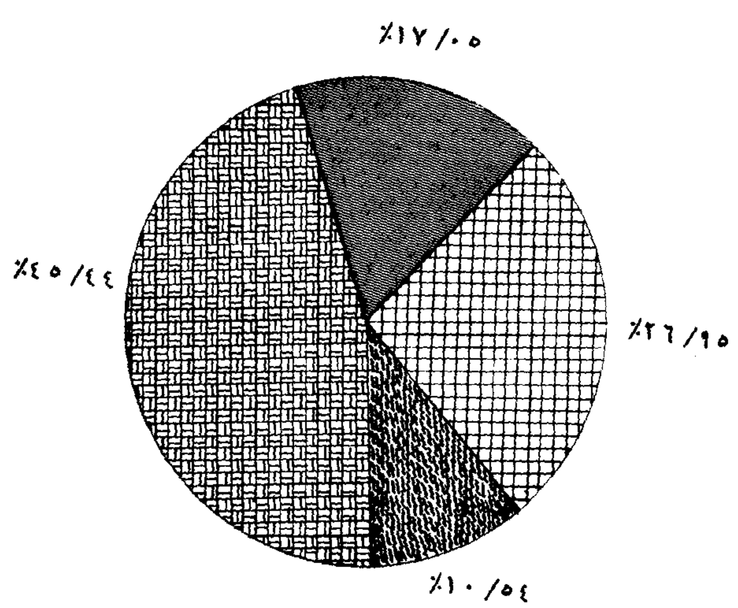

دهستان سلطان‌آباد

دهستان فش

دهستان گودین

دهستان قزوینه

شکل شماره ۸

نمودار وسعت اراضی مزروعی آبی

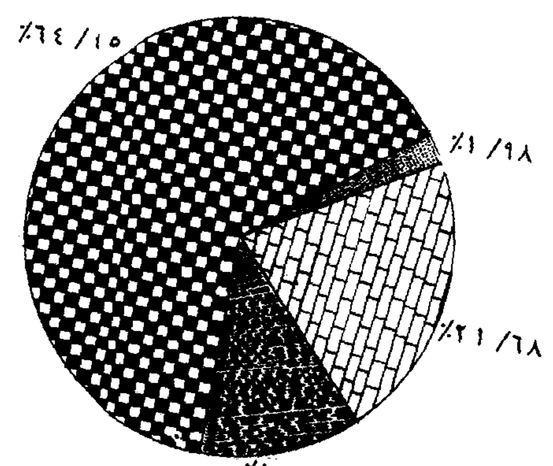

گندم وجو آبی

چغندر قند

سایر محصولات آبی

خشخاش

شکل شماره ۹

جدول اراضی

نام روستا	اراضی آبی به هکتار	اراضی دیم به هکتار	سطح مکانیزه به هکتار	فاصله تا مرکز بخش به کیلومتر
قاسم‌آباد	—	۵۰	—	۴۸
دهنو	۳۲	۱۹۰	—	۴۰
سرمست	۱۲	۸۰	—	۳۰
بردینه	۵	۲۵۰	—	۳۵
قره‌گزلوسفلی	۱۸۰	۳۶۰	—	۹
محمدآباد	۱۸	۷۰	—	۹
خارکش	۱۴	۱۱۰	—	۱۲
قرگزلوعلیا	۱۵	۷۵	ـه	۱۲
جاورسینه	—	۱۵۰	—	۳۲
حاجی‌آباد	۱۰	۷۰	—	۳۰
توشمالان	۳۰	۲۴۰	—	۴۳
نهرالدوله	۱۸۰	۱۸۰	—	۳
سلطان‌آباد	۱۸۰۰	۲۴۰۰	۱۷۰۰	۹
قارلق	۴۲۰	۶۶۰	۲۰۰	۱۷
خلیل‌آباد	۶۰	۱۲۰	۱۲۰	۴
کرماجان	۱۰۰	۲۰۰	۳۲۰	۴
فیروزآباد تپه	۸۴	۷۰۰	۴۴۰	۶
فیروزآباد کوچک	۱۵۰	۱۵۰	۸۰	۶
رستم‌آباد کوچک	۴۵	۷۰	۶۰	۳
کارخانه	۱۸۰	۴۰۰	—	۳
علی‌آباد	—	۶۰۰	—	۵
عباس‌آباد	۱۹۲	۱۹۲	—	۷

گندکیله	٨	١٥٠	—	٤
حمزه‌آباد	١٨	٦٠	—	٤
رحمان‌آباد	٦٠	٦٠	—	—
هزارخانی	٤٠	١٦٠	—	٢١
حسن‌آباد	٣٩٠	٦٠٠	٣٩٠	٢
گودین	١٠٠	٧٥٠	—	١٥
خمیس‌آباد	٣٥٠	٩٠٠	—	١٠
طاهرآباد	٣٦٠	٤٠	١٦٠	١٠
حسین‌آباد	٣٥٠	٥٠	٩٠	١١
چشمه‌نوش	١٤٠	٥٦٠	٢٢٠	١٦
گلیاران	٣٥	٢٠٠	١٢٠	١٢
الله‌دانه	—	٢٤٠	—	١٣
سهم‌الدین	٦٠	٢٤٠	—	١٤
ده‌بالا	١٤٠	٢٨٠	١٠٠	١٣
کوچه	٤٠	٣٠٠	—	١١
علی‌آبادپل	—	٢٨٠	—	١٨
شورچه	٩٠	٢٣٠	١٠٠	١٧
رستم‌آبادبزرگ	—	٧٠٠	٩٠	١٠
گلبداغ	٥	١١٥	٦٠	١١
رحمت‌آباد	١٦٠	٩٥٠	٤٧٥	١٢
عزیزآباد	—	١٨٠	٩٠	٦
قزوینه	٤٠	١٢٠	—	٤٠

فش	۱۲۰	۴۸۰	—	۱۴
اکبرآباد	۱۸۰	۱۸۰	—	۴
خرم‌آباد	۲۷	۱۰۸	—	۱۶
گردکانه	۳۰	۱۲۰۰	۲۴۵	۸
دم‌بادام	۸۰	۶۰	—	۵
فشخواران	۱۲۴	۲۴۸	—	۹
سلیمان‌آباد	۴۵	۳۰۰	—	۹
شش‌یکان	۴۰	۹۰	—	۵
آب‌باریک	۷۰	۲۰۰	—	۱۰
همایون‌کش	۱۲	۳۲	—	۱۲
رشتیان	۱۰۰	۶۰۰	۱۵۰	۱۴
عبدالتاجدین	۱۰	۱۰۰۰	—	۱۶
حصار	۱۰	۸۰	—	۲۰
سریوه	۱۲	۲۴	—	۴
قوره‌چیل	۱۶	۳۲	—	۴
کریم‌آباد	—	۹۰	—	۵
جمع کل چهاردهستان	۶۷۸۹	۱۹۲۰۶		۵۲۰۵
مرکزبخش کنگاور (تخمیناً)	۳۰۰	۲۰۰		۴۳۲
جمع کل ناحیه کنگاور	۷۰۸۹	۱۹۴۰۶		۵۶۳۷

از مقایسهٔ ارقام فوق باارقام مندرج در فرهنگ آبادیهای کشور[1] نتیجه چنین می‌شود: بموجب مندرجات فرهنگ‌آبادیهای کشور وسعت اراضی‌آبی ۲۰۱۱ هکتار ومساحت اراضی دیم ۷۷۰۲ هکتار آیش دیم ۷۸۸۷ هکتار وسایرمحصولات ۲۴۹۰ هکتار برآورد شده است. یعنی درسال ۱۳۴۵ مساحت کل اراضی‌آبی

۱ـ مرکزآمار ایران ـ جلد ۱۹ ـ استان کرمانشاهان

می‌بایست تخمیناً در حدود ۴۰۱۰ هکتار ووسعت کل اراضی‌دیم باآیش۱۰۵۸۹ هکتار باشد درصورتی که در زمان مطالعه یعنی تابستان ۵۱ کل مساحت اراضی آبی‌غیراز سطح مکانیزه که تصور میشود در برآورد سال ۴۵ مورد نظر نبوده۷۰۸۹ هکتار ووسعت دیمزارها ۱۹۴۰۶ هکتار بوده است. بدین ترتیب باید قبول کرد که‌بسبب اجرای اصلاحات ارضی و در نتیجه احیای اراضی مورد تملک از جانب دهقانان از بندرسته وتشویق مالکین به توسعهٔ زراعت مکانیزه حداقل ۲۰۸۸ هکتار به‌وسعت اراضی‌آبی معمولی و۳۸۱۷ هکتار به‌وسعت اراضی دیم اضافه شده است .

کشت‌وبرداشت غلات (گندم‌وجو) :

مقدار وتوزیع‌فصلی‌ریزشهای جوی‌ومنابع‌آب‌زیر زمینی‌نسبة کافی وجنس‌خاك مناسب وهوای‌مساعدموجب توسعه کشت غلات شده‌است. در نواحی کوهستانی و دامنه ودشت گندم‌آبی‌را از اوایل‌مهرماه تا اوایل‌آبان‌ماه و گندم‌دیم را نیزدر همان ایام کشت مینمایند ودرتیرماه درومی کنند. فصل‌درو در روستاهای دشتی‌چند روزی جلوتر ازدهات‌دامنه‌و کوهستانی‌است. برای‌شخم‌مزارع گندم در روستاهای کوهستانی استفاده‌از گاوآهن غلبه‌دارد زیرا به‌علت‌پستی‌وبلندی‌عرصه کشاورزی‌نمی‌توان‌ازوسائل ماشینی شخم‌زنی استفاده نمود و در دهی نظیر روستای کوهستانی ومرتع‌دارو گله‌پرور عبدالتاجدین که زمین پرشیب واساس اقتصاد روستائی دامداری است به استفاده‌از وسایل جدید وماشینی کشاورزی کمتر توجه می‌شود و عمدهٔ سرمایه گذاری متوجهٔ دامداری است وعملا کشت وبرداشت غلات فقط به منظور تأمین نان وقوتی است است که تازه کافی نمی‌باشد. هرقدر از اراضی کوهستانی ودامنه متوجهٔ دشت شویم برای شخم‌زمین از تراکتور وبه‌مقدار کمی ازگاوآهن‌استفاده‌می‌شود. گاهی‌جنبه های مختلف کشاورزی ماشینی وروش قدیم توأماً انجام‌می گیرد. مثلا شخم اول با تراکتور وبرای‌آمادگی بذرافشانی غلات ازگاوآهن‌وبرای‌برداشت ازداس‌ویا کمباین استفاده می‌شود . غلبه کارهای ماشینی درجاهایی متمرکز است که اولا منابع‌آب غنی است‌ویا بیشتر از چاههای نیمه عمیق استفاده می‌شود ثانیاً زمین دشتی‌وهموار

نمودار اراضی دیم

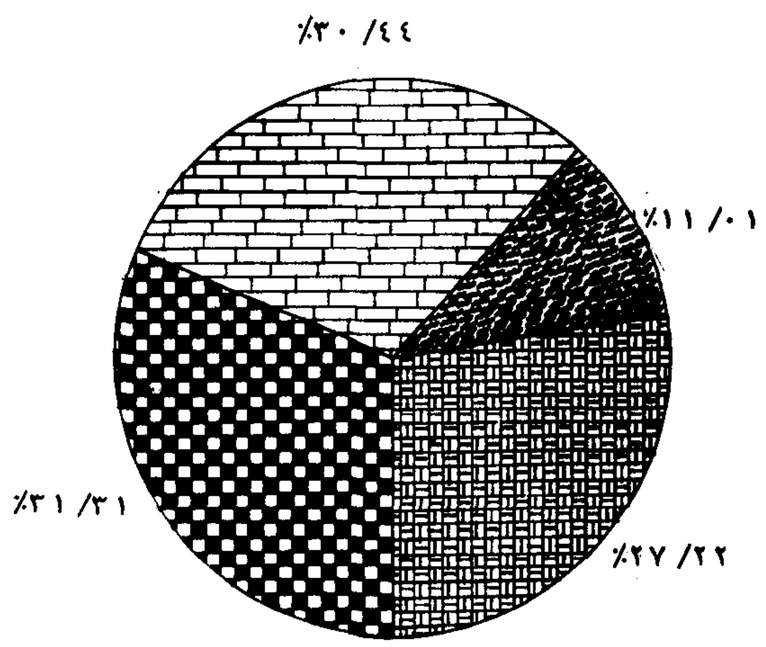

دهستان گودین

دهستان سلطان‌آباد

دهستان قزوینه

دهستان فش

شکل شماره ۱۰

بوده یک یادو کشت بازرگانی مورد توجه باشد.

در روستاهای دشتی معمولا برای کشت گندم آبی در زمین های سفت (گچه رو) که خاك آن سیاه است پس از شخم زمین را کاملا آبیاری می کنند وپس از آن بذر می‌افشانند و از اولین آبیاری تا اوایل بهار (دهم اردی بهشت) آب نمیدهند ولی در زمین های معمولی که خاك آن قرمز رنگ است (رسی شنی) پس از بذرافشانی در پائیز مجدداً آن را شخم کرده فقط یکبار آبیاری می کنند وتا بهار (دهم اردیبهشت) آب نمیدهند مگر در سالهائی که کم باران باشد. ازاین تاریخ تا رسیدن دانه های گندم آن را چهار بار آبیاری می کنند که معمولا فواصل آبیاری ۱۰ روز یکبار است. عموماً فاصلهٔ آخرین آب تا هنگام درو در حدود بیست روز می‌باشد.

میزان بذرپاشی گندم در اراضی آبی معمولی در هکتار ۲۰۰ و در اراضی مکانیزه آبی در حدود ۱۲۰ کیلوگرم است. بطور متوسط از هر هکتار گندم کاری مکانیزه بیش از ۲۰ تخم واز هر هکتار گندم کاری معمولی در حدود ۱۰ تخم برداشت می‌شود. مقدار بذر پاشی گندم دراراضی دیم کار از ۱۱۰ تا ۱۵۰ کیلو می‌باشد وبرداشت بطور متوسط در حدود ۸ تخم است.

باید دانست که اراضی آبی گندمکار همیشه زیر کشت گندم نیست وچرخش کشت وجود دارد بدین ترتیب که قسمت کوچکی از زمین را زیر کشت شبدر یاصیفی وسایر محصولات قرار می‌دهند و پس از برداشت این محصولات جای آن گندم میکارند ودر واقع عملا خاك زمین زراعتی را تقویت می کنند.

کشت گندم دیم بیشتر در اراضی دامنهٔ کوهستانی رواج دارد ومیزان محصول از چگونگی و مقدار ریزشهای جوی در بهار تبعیت می کند وبدیهی است که زحمت آبیاری ندارد. ناگفته نماند که توسعهٔ اراضی مزروعی دیم دراین ناحیه به ضرر کار داماری انجام گرفته است زیرا دهقانان صاحب نسق بمنظور توسعهٔ مساحت دیمکاری ناچار بوده‌اند اراضی بایر سابق را که با علوفهٔ فصلی ولو فقیرمی‌توانست گوسفندانی را تغذیه نماید زیر کشت بگیرند و در بعضی از دهات تا آخرین حد

ممکن قله و تپه را بدون رعایت صرفه اقتصادی زیر کشت گرفته‌اند . معمولا بازده این اراضی بسیار کم و بزحمت به ۳-٤ تخم می‌رسد در حالی که اگر مانند سابق آزاد گذاشته می‌شد تا از علوفه‌آن گوسفندان تغذیه نمایند از طریق پـــرورش دام بمراتب درآمد بیشتری عاید دهقانان می گردید . گذشته از این چون اغلب،جهت شخم مماس برشیب کوهستان انتخاب شده است زمین ها گرفتار شست وشوی شدید وفرسایش سریع شده واستعداد کشت‌وزرع جزئی راهم ازدست داده است.

برابر مندرجات فرهنگ آبادیهای کشور مساحت کل اراضی آبی زیر کشت گندم وجو درسال ٤٥ بالغ بر ۲۱۳۵ هکتار بوده است که ازاین وسعت فقط۱۱٤ هکتارآن را به کشت جو اختصاص داده بودنـــد . در تابستان ٥۱ برابر بـرآورد انجام شده ۲۸۱٥ هکتار از اراضی غیر مکانیزه زیر کشت گندم آبی‌و ۱٥۰ هکتـــار زیر کشت جوآبی ودر حدود ٥۲۰ هکتار زیر کشت گندم آبی‌مکانیزه قرار داشت. بنابراین در سال زراعی ٥۰-٥۱ (مهر ٥۰ مهر ٥۱) از مجموع ۱۲۷۲٦ هکتار اراضی‌آبی‌مکانیزه وغیرمکانیزه /۸۱٦٥ هکتار یا تقریباً ٦٥ ٪. از مجموع اراضی آبی زیر کشت‌غلات مخصوصاً گندم بوده است. از مطالعه ومقایسهٔ ارقام سطح کشت سال ٤٥ و٥۱ معلوم می‌شود که توسعهٔ چشمگیری در پیشرفت کشت‌آبـــی غلات وجود داشته است. ولی بعقیده نگارنده درگزارش سال ٤٥ مساحت اراضی مکانیزه در نظر گرفته نشده است زیرا در ظرف ٥ سال توسعه‌ای در حد چهار برابر اغراق‌آمیز است بخصوص که دراین‌ناحیه کشت مکانیزه از سال ۱۳۳۲ سابقه دارد. معهـذا اگر مساحت اراضی مـکانـیزه راکنار بگذاریم بازدر طول این مدت کوتاه حداقـل ۷٦٥هکتار بروسعت اراضی آبی عادی زیر کشت گندم اضافه شده است. باید یادآور شد که با پیشرفت سریع کشاورزی مکانیزه، توسعهٔ اراضی آبی غلات، تقریباًبمیزان ۳۰٪ در طول پنج سال عادی است‌ومسلماً اگر آمار دقیق توسعه اراضی مکانیزه ازسال ٤٥ تا ٥۱ در دست می‌بود پیشرفت وسیع‌تری راکه قطعاً وجود دارد می‌شد نشان داد. باز براساس همان‌آمار سال ٤٥ مساحت زیر کشت گندم وجو دیم‌درآن

سال ۷۰۱۳ هکتار بوده که از این مقدار ۱۱۰۷ هکتار زیر کشت جو بوده است . در برآورد تابستان سال ۵۱ مساحت تقریبی زیر کشت غلات دیم ۸۵۰۰ هکتار بود که فقط در حدود ۱۰۰۰ هکتار آن به کشت جو اختصاص داشت . بنابراین از ۱۹۴۰۶ هکتار اراضی دیم باتوجه به آیش ۸۵۰۰ هکتار یا ٤٤٪ وسعت اراضی دیمکاری زیر کشت گنـــدم و جو بوده است. چون در اراضی دیم معمولا گندم وجومی کارند باید قبول کرد که حدود ۵۶٪ از اراضی دیمکاری برای تقویت وغـذا گیری «آیش» آزاد گذاشته شده است. دراین قسمت هم در مجموع وسعت اراضی دیمکاری غلات افزایشی به چشم میخورد بدین ترتیب که بر وسعت اراضی غلات نسبت به سال ٤۵ در حدود ۹۸۷ هکتار افزوده شده است که باید آن‌را معلول دو علت دانست یکی سال بهتر از جهت ریزشهای جوی ، دیگر توسعهٔ اراضی قابـــل کشت و تخصیص آن به کشت غلات، یعنی زارع صاحب نسق علفزارهای فصلی را تبدیل بمزارع گندم وجو نموده است.

در هرصورت توسعه اراضی آبی عادی ومکانیزه ودیم کشت غـلات موجب افزایش محصول غلات شده است وبرابر برآوردهای محلی اگر مقدار متوسط تولیـد گندم را در اراضی آبی مکانیزه هکتاری درحدود ۲/۵ تن و در اراضی آبی معمولی حدود دو تن حساب کنیم مقدار تولید گندم آبی در سال مورد مطالعه در حـــدود ۱۸۵۰۰ تن بوده‌است. مقدار متوسط تولید گندم دیم درهکتار حدود یک تن است واز این قرار مقدار تولید گندم دیم در سال مورد بحث بالغ بر ۸۵۰۰ تن می‌شود بنابراین مجموع تولید گندم دراین سال به حدود ۲۷۰۰۰ تن میرسد. میزان تولید جو نیز در همین سال درحدود ۱۵۰۰ تن وازاین قرار مجموع تولید غلات در زمـان مورد مطالعه در حدود ۲۸۵۰۰ تن می‌باشد که بابرآوردهای محلی نیز مطابقت دارد.

به‌علت همین تولید نسبهٔ زیاد گندم دراین ناحیه ونیز نواحی گندم کار مجاور درکنار شهر کنگاور سیلوی ۱۶ هزار تنی در دست ساختمان و نزدیک به اتمام بود تا مسألهٔ ذخیره ونگهداری گندم درآینده مشکلی بوجود نیاورد. قسمت عمدهٔ گندم

تولیدی کنگاور به بازارهای خرید ارسال می‌شودودر واقع کشت گندم جز مصرف محل، نوعی کشت‌بازرگانی است وانبار آن شهرك روستائی کنگاور می‌باشد.

کشت وبرداشت چغندر قند:

کشت چغندر بیشتر در دهات دشتی متداول است. معمولا از بیستم اسفند تا دهم فروردین ماه بذرافشانده می‌شود وتا پس‌از وجین‌اول به آن آب نمی‌دهند. پس ازوجین دوم مزرعه چغندر را هر هفته یا ده روز درمیان آب می‌دهند واغلب کاروجین تا برداشت محصول ادامه دارد. کشت چغندر از نوع کرت‌بندی است ومزارع آن بیشتر باتراکتور شخم می‌شود.

کشت‌چغندر بدون کود امکان پذیر نیست ودر مزارع چغندر دو نوع کود مصرف می کنند یکی کود حیوانی بدو صورت طبیعی «نسوخته» وسوخته«غیرطبیعی» ودیگری کود شیمیائی. تهیه کود سوخته چنین است که تاپالهٔ خشك را درزمستان برای سوخت مصرف می کنند وخاکسترآن‌را انبار کرده‌در کشت چغندر بـه عنوان کود بمصرف میرسانند. کود شیمیائی بیشتر از نوع فسفات‌و اوره است که فسفات را پیش‌از بذرپاشی یعنی درهنگام جفت کردن زمین مصرف‌می کنند واوره را پس‌از سبز شدن گیاه در مزرعه می‌پاشند. در هرهکتار زمین چغندرکاری درحدود ٤٥ کیلوگرم کودشیمیائی مصرف می‌شود. ایـن گیاه آفت پذیر وعمده آفت آن (کرم سبز رنگ) است. با این آفت به شدت مبارزه می‌شود و بهمین مناسبت کارخانه‌های قند که طرف قرارداد دهقانان چغندرکار هستند سم‌مجانی دراختیارشان می گذارند.

پیدایش وتوسعهٔ کشت چغندر دراین ناحیه بیشتر براثر تشویق مالکین‌سابق وتحت تأثیر کارخانه‌های قند کرمانشاه«بیستون» وشاه‌آبـاد بوده است وبخصوص کارخانه قند بیستون که نزدیک‌ترین بازار پذیرش این کالای کشاورزی است‌عامل مؤثر می‌باشد. کارخانهٔ‌قند بیستون برسرراه کرمانشاه و کنگاور بامزارع چغندرکاری کنگاور فاصله چندانی ندارد واصولا بازار خرید مزارع دوروبرخود می‌باشد. برای

جدول حمل چغندر

برنامه حمل چغندر سال ۱۳۵۰ کارخانه قندکرمانشاه (بیستون)

ردیف	نام ناحیه	پیش بینی محصول به تن	شهریورماه	نیمه اول مهر	نیمه دوم مهر	نیمه اول آبان	نیمه دوم آبان	نیمه اول آذر	نیمه دوم آذر	نیمه اول دی
۱	میان دربند	۱۴۱۳۳	—	۲۸۴۹	۲۷۸۵	۳۲۱۵	۳۰۹۷	۱۶۸۷	—	—
۲	روانسر	۳۰۴۸	۶۵	۵۲۶	۲۱۱۷	۳۴۰	—	—	—	—
۳	دوروفراسان وهرسین	۲۳۹۵۹	۷۱۴	۵۰۰	—	۱۱۲۷	۴۱۴۰	۶۱۸۲	۷۷۸۶	۳۵۰۰
۴	چمچال وصحنه	۹۳۸۰۰	۱۶۵۱	۶۷۴۲	۳۳۸۱	۱۷۲۶۷	۱۹۷۴۵	۵۱۶۱۷	۱۶۸۴۵	۸۰۵۲
۵	دینور	۳۴۶۹۳	۱۷۲۳	۱۰۰	۲۸۵۰	۵۹۵۲	۷۹۸۷	۹۸۳۷	۴۷۰۶	۱۵۳۸
۶	سنقر	۳۵۱۰	—	۱۷۵۶	۱۵۵۴	۲۰۰	—	—	—	—
۷	کنگاور	۵۰۸۵۹	۳۱۵۵	۴۶۵۳	۱۴۰۷۳	۱۳۲۱۳	۱۱۱۳۵	۴۶۳۱	—	—
۸	خزل وتویسرکان	۳۸۰۷	۱۲۶۶	۱۶۲۶	۹۱۴	—	—	—	—	—
۹	اسدآباد	۱۰۰۱۴	۳۸۲۷	۳۲۱۱	۲۹۷۶	—	—	—	—	—
	جمع کل	۲۳۷۸۲۳	۱۶۹۰۱	۲۱۹۶۳	۳۰۶۵۰	۴۱۳۲۴	۴۶۶۰۴	۳۷۹۵۴	۲۹۳۳۷	۱۳۰۹۰

مثال بموجب گزارش رسمی کارخانهٔ قند بیستون در سال ۵۰ میزان محصولی که می‌بایست دراین سال از مزارع کنگاور به کارخانه حمل گردد حدود ۵۰۸۰۹ تن پیش‌بینی شده بود. با مراجعه به‌جدول حمل چغندر به کارخانهٔ قند بیستون در سال ۵۰ چگونگی میزان محصول و مدت حمل چغندر از کنگاور به کارخانه روشن می گردد.

تقریباً تمام کشت چغندر ناحیه کنگاور بموجب قراردادی که بین شرکت سهامی کارخانه قند کرمانشاهان وزارعان منعقد گردیده بوجود آمده است. برای بررسی این کشت نکاتی ازپیمان‌نامه بین زارع و کارخانه قندبیستون (کرمانشاه) را یادآور می‌شویم. بموجب این پیمان‌نامه زارع پیمانکار متعهد میشود که‌وسعت‌معینی از اراضی مزروعی خود را به کشت چغندر اختصاص دهد مشروط بر آن که زارع بذری را که ازطرف شرکت تحویل میشود بهزینهٔ خود کشت نماید و کلیهٔ محصول آنرا درخلال مدت بهره‌برداری همان‌سال طبق برنامه‌ای که توسط کارخانهٔ‌قند کرمانشاه (بیستون) تعیین می‌شود شخصاً یا توسط نمایندهٔ خود به کارخانه حمل نماید وتحویل دهد. تهیهٔ وسیله حمل چغندربعهدهٔ پیمانکار است‌ولی درعین‌حال با تشخیص کارخانه ممکن است چغندر راخود کارخانه‌حمل کند و کرایه‌را به حساب بدهی پیمانکار بگذارد. دراین مورد زارع موظف است که تمام دستورات کارخانه رااز جهت جمع‌آوری‌وسیلو کردن وبارگیری چغندر اجرا نماید و کارخانه تعهد و مسئولیتی نسبت به فساد وخساراتی که‌در نتیجهٔ ماندن محصول به چغندر کارمتوجه شود نخواهد داشت. کارخانهٔ قند در ازاء این تعهدات کمکهای ذیل را به زارع می کند:

الف ـ برای هرهکتار ۱۸ کیلوبذر مجانی میدهد.

ب ـ برای هر هکتار ۶۰۰۰ ریال مساعدهٔ نقدی در چهار قسطی پردازد: پس‌ازکشت وسبز شدن بمنظور وجین اول هرهکتار کشت سبز موجود ۱۵۰۰ ریال، موقع وجین دوم برای هرهکتار کشت سبز موجود ۱۵۰۰ ریال، موقع وجین سوم برای

هرهکتار کشت‌سبز موجود ۱۰۰۰ ریال ، موقع کندن وشروع به‌حمل برای هرهکتار کشت سبز موجود ۱۰۰۰ ریال.

ج - برای هرهکتار ۵۰۰ کیلو کود شیمیائی«به‌قرار کیلوئی۸ ریال در سال ۱۳۵۰» به زارع میدهد.

د - ۷ لیتر سم مجانی برای هرهکتار باوسایل سم‌پاشی دراختیار دهقان‌چغندر کار می گذارد.

زارع نیز برای تحویل چغندر به کارخانهٔ قند تعهداتی دارد:

الف - کلیهٔ چغندر مورد پیمان‌را باید سالم وپاك‌شده بدون گل‌وبرگ وساقه (یاطوقه)تحویل نماید وملاك‌تحویل،توزین قپان کارخانه است واگر چغندرآلوده به گل ودارای ساقه وبرگ‌باشد کارخانه حق دارد در ازاءآن افت حساب کند.

ب - اگر وزن هر چغندر از ۱۵۰ گرم کمتر باشد کارخانه قبول نخواهد کرد.

ج - درصورتی که چغندر تحویلی به‌تشخیص کارخانهٔ قند فاسد و یاازریشهٔ دوساله باشد ویا گل‌وخاك آن بیش ازحدمتعارف یا دارای طوقهٔ سبز باشد کارخانه می‌تواند ازقبول‌آن خودداری کند وحتی‌از زارع خسارت بگیرد.

از نظر چگونگی کشت ونظارت برآن نیز کارخانه‌قند بیستون امتیازاتی دارد از قبیل:

اعمال دستور هـــای فنی در مورد شیار - طرز کشت - وجین- تنک کردن- آبیاری - دفع‌آفات - کندن چغندر از زمین - سیلو کردن - جلوگیری از سرچرانیـدن چغندر چون چیدن برگ وچرانیدن سربرگ چغنـــدر قبل از برداشت باعث نقصان کلی محصول و کمبود میزان قند در چغندر شده زیان‌آن متوجه کارخانه می‌شود . کارخانه درصورت مشاهدهٔ چنین عملی تنی یکصدریال بابت تأمین‌خسارت کارخانه ازبهای چغندر تحویلی کسر می‌نماید.

برابر رسیدگی دقیق، وضع توزیع مزارع چغندر قنددر کنگاور در سال ۱۳۵۰ بدین‌صورت بوده است :

دهستان فش :

نام ده	سطح پیمان به‌هکتار	سطح سبز به‌هکتار
ششیکان	۱۲	۹
دم‌بادام	۲۷	۲۰/۷۰
خرم‌آباد	۱۳/۰	۹/۲۰
فشخواران	۵۰/۰	٤٦
فش	۹۸/۷۰	٦۷
رحمان آباد	۲۳/۷۰	۱۸/۵۰
جمع ششروستا	۲۳۰/۵۰	۱۷۰/۵۰

دهستان گودین :

نام ده	سطح پیمان به‌هکتار	سطح سبز به‌هکتار
خمیس‌آباد	۲۳۷	۱۰۰/۷۰
شورچه	٦۵/۰	۵۷/۲۰
گودین	۹۲/۰	٤۹/۵۰
چشمه‌نوش	۵	٤/۰
ده‌بالا	۹	۹
علی‌آباد پل	۲	۱/۲۰
حسین‌آباد	۳۱	۲۹/۲۰
کوچه	۹۸	٦۹/۷۵
طاهرآباد	۱٤٤	۹٤/۷۵
جمع نه‌روستا	٦۸٤	٤٦٦/۰۰

دهستان قروینه :

نام ده	سطح پیمان به‌هکتار	سطح سبز به‌هکتار
اکبرآباد	۲۱	۱۳/۲۰
نهرالدوله	۲۴/۲۰	۱۲/۲۰
محمدآباد	۲	۱
ده‌نو	۱۸	۲۱/۰
جمع چهار روستا	۶۰/۲۰	۴۸/

دهستان سلطان‌آباد :

نام ده	سطح پیمان به‌هکتار	سطح سبز به‌هکتار
رستم‌آباد	۶۲/۰	۳۱/۲۰
عباس‌آباد	۷۱/۰	۶۰/۲۰
سلطان‌آباد	۲۰	۱۴
علی‌آباد	۱۴۶	۹۱/۰
کارخانه	۷۸/۰	۲۰/۷۰
قارلق	۳۰۰/۰	۲۲۷/۰۰
فیروزآباد کوچک	۱۱۸	۸۸/۰۰
فیروزآباد بزرگ (تپه)	۱۰۱	۱۱۳
قوره‌چیل	۱۳/۰	۱۴/۲۰
خلیل‌آباد	۲۸	۳۰
حمزه‌آباد	۱۰	۷
کرماجان	۱۱۳/۷۰	۹۳
جمع دوازده روستا	۱۱۶۳/۲۰	۷۹۶/۰۰
مرکز بخش کنگاور	۷۶/۷۰	۶۴/۰
جمع چهار دهستان و مرکز بخش	۲۲۱۹/۷۰ هکتار	۱۰۰۰ هکتار[1]

۱ ـ اگر بنا باشد به‌این نسبت سطح کشت سبز ازسطح پیمان کمتر گردد باید متوجه نقصان محصول قند و شکر بود مگر قبلا حساب افت سطح کشت را داشته باشند.

با توجه به آمار داده‌شده حداقل مزارع چغندر در دهستان قزوینه وحداکثر آن در سلطان آباد قرار دارد، مقام دوم از آن دهستان گودین است و دهستان فش در درجه سوم می‌باشد.

ازآنجا که کشت چغندر، کشت آبی است از ۱۲۷۲۶ هکتار اراضی آبی کنگاور در سال مورد مطالعه فقط ۱۰۰ هکتار زیر کشت سبز چغندر قرار داشته است و بدین ترتیب مجموع مساحت زیر کشت غلات وچغندر قند بالغ بر ۹۷۱۰ هکتار می‌شود، به عبارت دیگر در حدود ۷۷٪ از مساحت اراضی کشاورزی آبی کنگاور به کشت گندم وچغندر قند اختصاص یافته است. سطح چغندرکاری دراین سال تقریباً ۱۲٪ سطح کل اراضی مزروعی آبی بوده است.

از طرفی مشاهده می‌شود که از ۲۲۱۹/۷۰ هکتار سطح پیمان کشت چغندر قند فقط ۱۰۰ هکتار زیر کشت سبز بوده است. در واقع دهقانان یا پیمانکاران کشت چغندرقند فقط به ۷۰٪ پیمان خود عمل کرده‌اند یا به حساب دیگر ۳۰٪ از وسعت کشت چغندر خود کاسته‌اند، علت چیست؟

برای اطلاع از علت افت سطح کشت چغندر بدنیست به هزینه ودرآمد بعضی از کشت‌های متداول دراین ناحیه در اراضی دشتی وبا شرایط متوسط ومتعادل توجه کنیم:

چغندرکاری :

هزینه یک هکتار

	مجانی
بهای بذر	
هزینه دوشخم (تراکتور ـ گاوآهن)	۱۰۰۰ ریال
ارزش کاروجین در مدت کشت	۶۰۰۰ «
خرید کود شیمیائی	۳۶۰۰ «
بهای آبیاری	۲۰۰۰ «
کندن وپاک کردن وبارکردن محصول	۳۵۰۰ «
ـ هزینهٔ حمل (۲۲ تن)	۴۰۰۰ «
جمع هزینه	۲۰۱۰۰ ریال

از آنجا که کاروجین را خانوادهٔ زارع انجام میدهد و آبیاری و کندن هم بوسیلهٔ افراد خانوادهٔ او انجام می گیرد، در حدود ۹۵۰۰ ریال از ۲۰۱۰۰ ریال باز بخود زارع برمی گردد. با توجه به فروش چغندر از قرار تنی ۱۱۰۰ ریال وبا رعایت متوسط محصول ۲۲ تن درهکتار بهای چغندر ویا میزان تولید ۲۴۲۰۰ ریال می‌شود که بهرهٔ خالص آن برای کشاورز معادل است با ۱۳۶۰۰ ریال.

شبدر :

شبدر هزینه شخم ندارد ودر هر هکتار بطور متوسط ۲۱۰ کیلو بذر افشانده می‌شود. در یک سال در حدود ۶۰۰۰ کیلو برداشت می‌شود که باتوجه به قیمت متوسط فروش هر ۳۰۰ کیلو ۸۰۰ ریال بهای فروش محصول بالغ بر ۱۶۰۰۰ ریال می گردد. دراین کشت زارع فقط در حدود ۹۰۰ ریال بابت بهای بذر می‌پردازد ودر مجموع درآمد او ازیک هکتار کشت شبدر ۱۵۱۰۰ ریال می‌شود.

گندم آبی :

هزینه یک هکتار

شخم‌ودیسک باتراکتور وشخم گاوآهن(بذرپاشی)	۱۰۰۰ ریال
بهای ۲۱۰ کیلوبذر	۱۵۰۰ «
آبیاری ودرو	۲۰۰۰ «
کوبیدن وباددادن	۱۰۰۰ «
جمع هزینه	۵۵۰۰ ریال

گرچه در مقابل هرتخم ۷ تا ۱۶ تخم حاصل برداشت می‌شود ولی مادراین نوع محاسبه متوسط را (۱۱ تخم) می گیریم از این قرار مقدار حاصل گندم درهکتار ۲۳۱۰ کیلوخواهد بود. بهای متوسط هر ۳۰۰ کیلو نیز ۲۰۰۰ ریال محاسبه می‌شود.

بهای ۲۳۱۰ کیلو گندم	۱۵٤۰۰ ریال
بهای متوسط کاه	۳۱۰۰ «
جمع	۱۸۵۰۰ ریال

که پس از کسر ۵۰۰۰ ریال هزینه‌های مربوط، درآمد خالص زارع در هکتار ۱۳۰۰۰ ریال می‌شود.

یونجه :

هزینه یک هکتار	
۹۰ کیلو بذر	۹۰۰۰ ریال
شخم	۱۰۰۰ «
جمع هزینه	۱۰۰۰۰ ریال

یونجه معمولا تا ۷ سال محصول می‌دهد ودرآمدی است مستمر . حاصل سال اول آن در حدود ٤۸۰۰ کیلو است که از قرار هر ۳۰ کیلو ۱۰۰۰ ریال فروش سال اول معادل است با ۱۶۰۰ ریال که پس از کسر هزینه، درآمد سال اول آن حدود شش هزار ریال می‌شود ولی از سال بعد هر سال ۱۶۰۰۰ ریال فروش دارد ومتوسط درآمد آن درمدت بهره‌برداری حدود ۱۲۰۰۰ ریال می‌شود.

پس با این محاسبات تخمینی نزدیک به یقین و در صورت عدم تغییر معادلات، محاسبه درآمد حاصل از چهار نوع کشت نامبرده در سال عبارتند از :

نوع محصول	درآمد یک هکتار
چغندر قند	۱۳۶۰۰ ریال
شبدر	۱۵۱۰۰ «
گندم آبی	۱۳۰۰۰ «
یونجه	۱۲۰۰۰ «

از این محاسبات چنین نتیجه می‌شود که در دهات آب‌دار شبدر و چغندرقند پردرآمدترین محصول‌است ولی کشت شبدر باتوجه به میزان زیاد آب مصرفی در سالهای کم‌آب به‌صرفه نیست‌و گذشته از این‌بازار فروش داغی مانند گندم آبی ندارد وزحمت‌آن‌هم از گندم کاری بیشتر است و بهمین‌جهت کشاورزان به‌این کشت توجه ندارند . ازطرفی باآن که تقریباً درآمد چغندرکاری و گندم کاری نزدیک‌بهم است ، زارع کشت گندم را به کشت چغندر قند ترجیح می‌دهد زیرا کشت چغندر بازحمت زیاد همراه بوده تمام‌وقت خانواده زارع را می گیرد بعلاوه زارع عادت‌دارد آذوقه خودرا که عمدهٔآن گندم است شخصاًاز زمین مزروعی خویش فراهم کند و تقریباً عادت وسنت اورا وادار به کشت گندم می کند. گذشته از اینها برداشت چغندر قند برای دهقان کنگاوری مشکلاتی دارد که بخاطرآن‌باطیب‌خاطر به زراعت چغندرقند نمی‌پردازد وآن مشکلات عبارتست از :

الف ـ کشت چغندر قند از زمان مالکیت‌های بزرگ (قبل از اصلاحات ارضی) به کشاورزان تحمیل شده است .

ب ـ دفعات زیاد وجین چغندر قند وآبیاری‌و کار زیادآن در مقابل بهرهٔحاصل ناچیز است.

ج ـ پس‌ازکشت وبرداشت، چغندر بدست آمده عموماً از یک تا دو ماه در مزرعه باقی می‌ماند تا در موعد مقرر با کامیون به کارخانه حمل و تحویل گردد ودر نتیجه تا ۲۰٪ ازوزن‌چغندر کم‌می‌شود.

د ـ عموماً درکارخانه مقدار قابل توجهی به علل خاك داشتن چغندر افت وزنی محسوب می کنند که این افت از ٤ تا ۲۰ درصد متغیر است‌ودر هر صورت به ضرر کشاورزان تمام می‌شود.

ه ـ کشت مداوم چغندر قند موجب تضعیف حاصلخیزی خاك مزارع می گردد.

و ـ معمولا اراضی گندم کار سابق به کشت چغندر اختصاص یافته است ودر نتیجه ازمیزان تولید کاه مورد نیاز مصرف دام دهقانان برای فصل‌سردطولانی‌محل کاسته شده وقیمت کاه در زمستان تا ٥٠٪ بهای گندم می‌رسد.

بااین وجود عواملی هست که‌موجب ترغیب وتشویق‌چغندر کاری میگردد:

الف ـ در ازاء کشت چغندر قند از جانب کارخانه قند ذینفع به زارع مساعده داده می‌شود.

ب ـ سم مجانی به زارع داده می‌شود.

ج ـ برگ چغندر مدتی خوراك دام کشاورز را فراهم می کند.

د ـ آب کافی وزمین مناسب در دهات آبدار ومساعد، روستائی را به چند کشتی هدایت می کند.

اگر کارخانه قند بتواند ترتیبی دهد که‌در حمل چغندر قند به کارخانه تسریع گردد وسیلوی پرظرفیتی در کارخانه بوجود آورد و سایر مشکلاتی را نیز که تلویحاً به‌آنها اشاره شد حل کند مسلماً کشت چغندر به عنوان یک کشت مطمئن نه تنها جای خودرا حفظ‌خواهد کرد بلکه توسعه هم خواهد یافت واگر نظارت کنند تا اراضی خاص‌بااسلوب علمی وبامطالعهٔ قبلی‌فقط‌به کشت چغندر اختصاص‌یابد میزان محصول درهکتار تا ٤٠ تن هم می‌تواند برسدومحصول بهتری هم عرضه خواهد شد.

در سال ١٣٥١ برابر آمار کارخانهٔ قند کرمانشاه (بیستون) سطح کشت‌مورد پیمان‌در بخش کنگاوروتعداد دهقانان پیمانکار وسبلغ مساعدهٔ«پیش پرداخت»به‌آنان به شرح جدول زیر بوده‌است:

دهستان سلطان‌آباد :

نام ده	تعداد کشاورزان چغندرکار	سطح زیر کشت به هکتار	مبلغ پیش پرداخت به ریال
کرماجان	۷۱	۱۱۳/۷۵	۹۰۲۲۹۰
خلیل‌آباد	۲۴	۲۸	۲۴۸۹۴۲
رستم‌آباد	۱۱	۶۲/۵	۱۷۴۰۵۵
قوره‌چیل	۱۲	۱۳/۵	۱۲۶۸۰۰
عباس‌آباد	۳۵	۷۱/۵	۶۷۸۷۲۰
سلطان‌آباد	۶	۲۰	۱۱۱۷۵۰
علی‌آباد	۴۱	۱۴۶	۱۱۱۳۱۹۰
کارخانه	۲۰	۸۰/۵۰	۴۲۶۵۷۰
قارلق	۸۵	۳۵۰/۵۰	۱۸۹۷۵۹۸
فیروزآباد کوچک	۲۹	۱۱۸	۵۸۶۴۲۰
فیروزآباد بزرگ	۴۳	۱۴۵	۹۸۵۳۶۰
حمزه‌آباد	۱۱	۹/۵	۵۳۱۰۰
سریوه	۱	۲	۱۱۸۵۰
جمع ۱۳ روستا	۳۸۹ نفر	۱۱۶۰/۷۵	۷۳۱۶۶۴۵

دهستان گودین :

نام ده	تعداد کشاورزان چغندرکار	سطح زیرکشت به هکتار	مبلغ پیش‌پرداخت به ریال
چشمه‌نوش	۱	۵	۷۴۴۶۰
ده‌بالا	۵	۹	۱۸۵۲۸۰
علی‌آباد پل	۲	۲	۰
خلیل‌آباد	۲۲	۳۰/۵	۲۷۴۳۰۰
شورچه	۲۴	۶۵/۵	۴۲۵۲۰۰
خلیل‌آباد	۶۶	۲۳۷	۱۵۶۲۵۴۰
کوچه	۴۰	۹۸	۸۹۱۹۶۰
طاهرآباد	۴۴	۱۴۴	۱۱۰۷۹۵۹
گودین	۵۲	۹۲/۵	۵۱۷۱۹۰
جمع ۹ روستا	۲۵۶ نفر	۶۸۳/۵	۵۰۳۸۸۸۹

دهستان فش :

نام ده	تعداد کشاورزان چغندرکار	سطح زیرکشت به هکتار	مبلغ پیش‌پرداخت به ریال
فش	۱۲۵	۹۸/۵	۵۷۴۷۵۰
فشخواران	۶۷	۵۵/۵	۴۵۲۷۰۰
خرم‌آباد	۱۵	۱۳/۵	۷۹۴۰۰
دمبادام	۲۲	۲۷	۱۵۶۴۰۰
نهرالدوله	۲۶	۲۴/۲۵	۱۵۶۱۰۰
شش‌یکان	۱۰	۱۲	۸۶۷۵۰
رحمان‌آباد	۳۱	۲۳/۷۵	۱۹۲۲۵۰
حسن‌آباد	۲۶	۱۷/۵۰	۹۷۲۵۰
جمع ۸ روستا	۳۲۲ نفر	۲۷۲/۰۰	۱۷۹۵۶۰۰

دهستان قزوینه :

نام ده	تعداد کشاورزان چغندرکار	سطح زیرکشت به هکتار	مبلغ پیش‌پرداخت به ریال
اکبرآباد	١٤	٢١	١٣٧٥٨٠
محمدآباد	٢	٢	١٠٨٥٠
ده‌نو	١٣	١٨	١٥٧٤٥٠
جمع ٣ روستا	٢٩ نفر	٤١	٣٠٥٨٨٠
مرکز بخش	١٠٢	١٣٤	٦٩٧٠١٠
جمع کل ناحیه کنگاور	١٩٠٨	٢٢٩١/٢٥	١٥١٥٤٠٢٤

کشت و برداشت خشخاش :

موقع کشت خشخاش اواسط مهرماه است ودر اواسط خرداد ماه تیغ زدن آن شروع می‌شود وده روز پس از اولین تیغ، برداشت حاصل شروع می گردد. تعیین محل کشت خشخاش وادارهٔ امورآن با ادارهٔ تعاون روستائی است وسعی می‌شود که بهترین نوع زمین برای کشت خشخاش انتخاب شود وکلیهٔ زارعینی که عضو شرکت تعـــاونی هستند در کاشت خشخاش و درآمدآن می‌توانند سهیم باشند. سود و بهرهٔ کشت برحسب جفت حساب می‌شود یعنی سهم زارعین به نسبت زمین مورد کشت محاسبه می گردد و به‌طورکلی میزان متوسط محصول در شرایط عادی هرهکتار حدود ٤ کیلوگرم تریاك است. تریاکهای حاصله برابر نرخ معین ازجانب اداره تعاون روستائی محاسبه می‌شود و زارع موظف است کلیهٔ محصول را به‌این اداره تحویل نماید. در هنگام برداشت نمایندگان ادارهٔ تعـــاون روستائی باهمکاری سپاهیان مختلف کار برداشت را به اتمام میرسانند. درسال کشاورزی مورد مطالعه وضع توزیع ومساحت اراضی زیرکشت خشخاش بدین شرح بوده است:

دهستان سلطان‌آباد :

نام ده	هکتار
سلطان آباد	۱۵
کریم‌آباد	۵
قوره‌چیل	۵
کندی کیله	۵
خلیل‌آباد	۱۰
محمدآباد	۵
رستم‌آباد	۵
قارلق	۱۰
علی‌آباد	۱۰
کارخانه	۱۲
فیروزآباد کوچک	۸
فیروزآباد بزرگ	۱۰
حمزه‌آباد	۵
عباس‌آباد	۱۲
جمع ۱۴ روستا	۱۱۷

دهستان فش :

نام ده	هکتار
گردکانه	۱۰
خرم‌آباد	۱۰
شش‌یکان	٥
آب‌باریک	۸
رشتیان	۸
جمع ٥ روستا	٤۱

دهستان گودین :

نام ده	هکتار
گودین	۱٥
کوچه	۱۰
شورچه	۱۰
خمیس‌آباد	۱۰
گلیاران	٦
سهم‌الدین	٥
چشمه‌نوش	۱۰
رحمت‌آباد	۱۰
جمع ۸ روستا	۷٦

دهستان قزوینه :

نام ده	هکتار
نهرالدوله	۸
اکبرآباد	٥
۲ روستا	۱۳
جمع کل ۲۹ روستا	۲٤۷ هکتار

بقیهٔ اراضی‌آبی یعنی در حدود ۲۷٦٤ هکتار از مزارع آبی یادر حدود ۲۲٪ کل‌مزارع آبی‌به کشت گشنیز بمنظور بهره‌برداری از فروش تخم گشنیز، صیفـــی، حبوبات، شبدر، یونجه اختصاص داشته است که هرقدر دهات دامنه‌ای‌و کوهستانی باشند باتوجه به‌مصرف‌دام خود به کشت شبدر ویونجه توجه بیشتر دارند ودر دهات دشتی گشنیز ، صیفی ، حبوبات رقم عمده را تشکیل می‌دهند.

شبدر هم‌زمان با کشت گندم کشت می گردد ولی زودتر ازآن به ثمرمیرسد، چنانکه از اواخر اردی‌بهشت ماه چین اول‌آن آغاز می‌شود ودر حدود پانزدهم‌تیر ماه چین دوم ودر حدود یکماه بعد چین سوم انجام می‌شود وپس‌ازآن معمولا گندم بجایش کشت می‌شود. یونجه درآخر فروردین ماه کشت شده چین اول آن در ۱٥ تیر وچین دوم آن در ۱٥ مرداد وچین سوم یکماه بعد بعمل‌می‌آید. عدس‌و گاودانه (غذای مخصوص گاو) را از اوایل اسفندماه تا اواسط فروردین می کارند و دراوایل تابستان برداشت می کنند. لوبیارا در ۲۰ خرداد می کارند و دراوایل پائیز حاصل برمی‌دارند صیفی از ۱۰ اردی‌بهشت کشت می‌شود و از اوایل مرداد بهره‌می‌دهد.

باغداری میوه در محل معمول نیست ودرختان میوهٔ موجود در باغهـــا نمی‌تواند حاکی از حرفه کشاورزی باغداری باشد ولی درختان چوبی‌را به‌منظور خاص بهره‌برداری اقتصادی در محل جهت مصارف‌خانه‌سازی‌وابزارسازی‌می کارند. وسعت کلیه باغهای این ناحیه تخمینا در حدود ۳۰۰ هکتار است.

تهیهٔ کود حیوانی و سوخت:

کودحیوانی از سوخت تاپاله تهیه می‌شود. برای ساختن تاپاله فضلهٔ گاو وگوسفند را ازکف زاغه و طویله جمع‌آوری کـــرده در فضای بازی می‌ریزند. در روستا برای تهیهٔ تا پالهٔ سعی و کوششی بسیار می‌شود بحدی که بچه‌های کوچک را برای جمع‌آوری فضلهٔ گاو و گوسفند به اطراف ده می‌فرستند. این بچه‌ها ظروف مخصوصی همراه دارند ورقابت‌جدی آنان بایکدیگر بـــرای جمع‌آوری فضله‌سرآغاز نبرد زندگی برای آنان می‌باشد. بچه‌ها فضله ها را بـه محل مخصوص جمع‌آوری می‌آورند ودرآنجا انبار می کنند. پس ازآن که مقدارفضلهٔ جمع‌آوری شده بحد کافی وقابل ملاحظه‌ای رسید صاحب فضله‌های جمع‌آوری شده بایکی از زنان یا دختران ده قرار داد تاپاله‌سازی منعقد می کند وعموماً دختران‌وزنان جوان به‌این کـــــار می‌پردازندودر مقابل‌حدود یکسوم‌از تاپاله های‌ساخته‌شده‌مزدآنان‌می‌باشد. پیمان کار ممکنست از زنان ودختران خانوادهٔ خود استفاده کند و یا زنان خانوادهٔ روستائـــی خود برای خانواده‌خویش تاپاله بسازند.

برای ساختن تاپاله ابتدا فضله‌ها را خوب درهم مخلوط کرده بـــرآنها آب می‌پاشند. وقتی فضله‌ها خوب خیس خورد آنرا لگدمال می کنند تـــا بصورت خمیردرآید. پس‌ازآن که‌خمیر کاملا مثل گل‌بهم آمد مقداری ازآن‌را بادست‌برداشته چونه می‌سازند. سپس چونه را به شکل بیضی پهن کرده در مقابل آفتاب قـرار می‌دهند تا خشک شود. برای احتراز از اختلاط باخاک‌ویا چسبیدن خاشاک‌تاپاله‌ها را روی زمین سفت ویا سنگ پهن می کنند. قطر بلندهر قرص تاپاله در حدود سی سانتیمتر است. پس از خشک‌شدن در صورتی که وقت داشته باشند تاپاله‌هـا را بازنبه به‌اطاق تاپاله‌دان می‌برند و انبار می کنند واگر فرصت نباشد آنها را دروسط حیاط ویادر میدانی نزدیک رویهم قرار می‌دهند تا هر موقع فراغت یافتندبه‌تـاپاله دان ببرند. اگر وقت نداشته باشند ومجبورگردند تاپاله‌ها را مدتی در فضای باز

نگهدارند آنها را رویهم می‌چینند وبا چند تاپاله خشک نشده تعدادی از تاپاله‌های کناری را بهم چسبانده وبا وضعی خاص علامت‌گذاری می‌کنند(مهر می‌کنند) تا کسی به‌آنها دستبرد نزند.

تاپاله نزد روستائیان‌این ناحیه بسیار عزیز است زیراسوخت عمده‌رابخصوص در فصل زمستان تشکیل می‌دهد . روستائی با آتش آن‌نان می‌پزد ، غذای گـرم مهیامی کند،در لبنیات سازی به‌آتش‌آن نیازمنداست‌خود وخانواده‌اش‌را گرم‌می کند می کند ودست‌آخر هم خاکسترش را انبارکرده به صورت کود به اراضی مزروعی می‌دهـد. این سوختی است ارزان و بی‌دردسر ، بهمین جهت حتی در جاهائی‌هم که سوخت نفت فراهم است از تاپاله به عنوان سوختی مفیدوبی‌خـرج استفاده می کنندوحتی رونق دامداری جنبی ودرکنار مزارع کشاورزی تاحدی بخاطرتهیه وتأمین چنین سوخت مطمئنی است.

باید اضافه کرد که زارع کنگاور امروزه به مصرف این کود طبیعـی اکتفا نمی کند ودر بسیاری از دهات بهره‌برداری از انواع کـود شیمیائی متداول است.

دامداری :

هدف از دامداری در اکثر روستاهای کنگاور جز در یکی دو روستای‌دام‌پرور که معیشت کلی واقتصاد روستائی مردم آن بیشتر براساس‌دامداری است‌عبارتنداز :

۱ - تهیه سوخت زمستان، زیرا در غیراینصورت هزینهٔ تأمین سوخت ازسایر منابع انرژی(نفت) بقدری‌زیاد است که به خانوادهٔ زارع فشار مالی‌وارد می کند. این تنها راه‌آسان‌وکم‌خرج ومفید تأمین گرما در فصل سرد ونسبة طولانی «ازاوایل آذر تا اواخر فروردین» کنگاور است.

۲ - کود حیوانی مورد مصرف مزارع خانواده روستائی است

۳ - تهیه فرآورده‌های لبنی که خود بهترین خورش خانواده دهقان است .

دراینجا اگر خانواده‌ای مواد لبنی‌وگندم‌داشته باشد زنده‌است واگر دام‌داشته‌باشد زندگانی می‌کند.

٤ ـ وجود دام سبب اعتبار و اهمیت اقتصادی خانواده بوده از نظر اجتماعی هم مهم می‌باشد. اگر زارع چند دام داشته باشد هرگاه‌که نیازمند شد بافروش چند رأس‌آنها مشکلات مالی خودرا حل می‌کند ومی‌تواند بعد باپرورش‌دام بیشتر، جبران مافات را بنماید . ازاین روزارع دام‌دار همیشه به اعتبار خود متکی است وحتی روستائیان دیگرهم می‌توانند به‌وی اتکاء داشته باشند.

٥ ـ چون در حدود ٣٠٪خانوار هر ده خوش‌نشین می‌باشند یعنی صاحب زمین زراعی و نسق نیستند به دامداری کشانده می‌شوند وضمن انجام مشاغـــل مختلف به‌کار تربیت ونگهداری دام می‌پردازند وچون عده خوش‌نشینان رقم‌قابل ملاحظه‌ای است بنابراین درهر روستا تعدادی گاو وگوسفند وبز وجود پیدامیکند.

دامداری هدف اقتصادی و وسیله ادامه زندگی خوش‌نشینان است.

تغذیهٔ دام در دهـــات مختلف و در تمام فصول یکسان نیست ، جزده عبدالتاجدین که دردامنه کوه(عمروله)[1] مراتع‌فراوان دارد، در بقیه روستاهاغذای فصل بهار وقسمتی‌از تابستان دام‌های ده ازگیاهان اراضی (جار[2]) کاهبن ، برگ چغندر، ودر بقیه ایام سال از یونجه، شبدر، کاه، کنگر، گاودانه وخلاصه علوفـــه خشک وغذای دستی است. بطورکلی در سراسرناحیه از اواسط‌آذرماه تا اواســـط فروردین کلیهٔ دامها دستی تغذیه می‌گردند و درآغل (زاغه) بسر می‌برند.

وسعت مراتع ده عبدالتاجدین که ناحیه‌ای‌است کوهستانی در حدود ٣٥٠٠ هکتار می‌باشد که در زمان مطالعه (تابستان ١٣٥١) بیش از نیمی از وسعت این مراتع مورد استفاده کوچ‌نشینان دامدار (ایلات ایلام پشتکوه) بود و چندیـــن خانوار از ایلات کرددراین مراتع مستقر بـــودند . تعداد گوسفندان روستائیان ده

---

١ ـ امروله

١ ـ دیم‌زاری‌که آزاد رها شده است (آیش).

عبدالتاجدین در حدود ٤٥٠٠ رأس بودولی دراین مراتع بیش از ده‌هزارگوسفند بچرا مشغول بودند زیرا گذشته ازگوسفند دهقانان ، دو هزار رأس گوسفند مالک سابق‌ده و ٣٥٠٠ رأس گوسفند ایلات کوچ‌نشین نیز از همین مراتع‌استفاده میکردند . آن طورکه روستائیان می گفتند ایلات پشتکوه پس از اصلاحات ارضی آزادانه به این مراتع وارد شده‌اند وتا قبل از این تـاریخ مالک ده از ایشان ممانعت بعمل می‌آورده است .

ایلات پشتکوه از اوایل خرداد تا اوایل شهریور دراین مراتع میماننـــد واز اواسط شهریور به سوی نواحی‌پست که گرم‌تر است کوچ می کنند . مسیر آنان از طریق کنگاور وصحنه می‌باشد . دراین قسمت اراضی (جار) را به اجاره‌می گیرند و بتدریج بحرکت ادامه می‌دهند و در اواسط پـائیز به‌مـحل گرمسیر خود در ایلام میرسند .

معمولا خوش‌نشینان درکار دامداری موفق‌ترند زیرا گرفتاری کشت و زرع ندارند وهم بافراغت بیشتر علف خشک وترصحرا و علفزارها را بریده به روستـا آورده انبار می کنند ورویهمرفته تمام همت وقسمت عمدهٔ وقت خودرا صرف‌دامداری مینمایند وچون علوفهٔ بیشتری ذخیره نموده‌اند بهتر می‌توانند به پروارکردن دام بپردازند .

بموجب بررسی که بعمل‌آمد تخمیناً درکل ناحیه کنگاوردر حدود یازده‌هزاررأس گاوشیرده وگوساله، سه‌هزار وپانصد رأس گاوکار وپنجاه وپنجهزار گوسفند وبزوبره وجود دارد .

بامحاسباتی که در چند روستا بعمل آمد متوسط درآمد یک گوسفند درسال پس ازوضع کلیهٔ مخارج ویاتوجه به مرگ ومیر تقریبی ٨٠٠ ریال ومتوسط درآمد یک گاو ٦٠٠٠ ریال می‌باشد که خود رقم قابل توجهی است واگر خوش‌نشینان روستاها از نظر دامداری مورد هدایت علمی وحمایت مالی قرارگیرند برسطح درآمد

عمومی روستاها وبرمیزان تولید گوشت مورد نیاز کشور افزوده خواهد شد زیرا در حال حاضر باآنکه بسیاری از اراضی مجاور دهات (دامنه‌ها) زیر کشت دیم گرفته شده معهذا تقریباً ۶۰٪ به تعداد کل دام منطقه افزوده شده است واین خود نشان می‌دهد که بمناسبت درآمد مطمئن دامداری توجه به تربیت گوسفند ونیز تا حدی گاوداری زیاد است واگر خوش‌نشینان گله‌دار مورد حمایت اقتصادی قرارنگیرند به علت عدم علاقه به زمین مسلماً پیشقراولان کوشای مهاجرت به شهرهای دور و نزدیک خواهند بود. اصولا حمایت علمی و اجتماعی واقتصادی از زارع و تغییر و ترمیم‌محیط زیست او بیش‌ازآنچه هست‌بایدمورد توجه‌باشد تابتوان‌از شدت‌مهاجرت روستائیان به‌شهر کاست وتولید کننده به مصرف کننده تبدیل نگردد.

محصولات دامی قابل فروش عبارتند از روغن، کره، پنیر، دوغ، کشک، پشم وپوست. بازار کره‌وروغن و کشک روستاها شهر کنگاور است که اغلب باموادی نظیر قند وچای وپارچه وسایر ضروریات زارع مبادله می‌شود. فروش نقدهم معمول است ودوغ وپنیر (پنیر پوستی) را خود مصرف می کنند. معمولا در بهار شیر را که کم‌چربی است به پنیر تبدیل می کنند ودر تابستان از شیر غلیظ‌تر وپرچربی‌تر کره درست می کنند. اگر به پول نیازمند نباشند کشک رادیرتر می‌فروشند ولی فروش کره‌روزانه است‌وروستائی خود روغن‌نباتی مصرف می کند. روستائیان‌باآنکه‌فاصلهٔ چندانی از بازار شهر ندارند غالباً به علت عدم تعادل مالی نمی‌توانند محصولات دامی خودرا رأساً در بازار کنگاور بفروشند ودر نتیجه تولیدات‌حاصله‌رابه‌دکانداران ویادلالان ده تحویل می‌دهند. این دلالان ودکانداران ده احتیاجات روز مره را نسیه‌وگران به‌آنان می‌فروشند واجناس‌آنان‌را ارزانتر میخرند ودر نتیجه روستائی‌از دوسو ضرر می کنند هم جنس گران میخرد وهم دسترنج خویش را ارزان از دست می‌دهد. گرچه در بعضی از دهات شرکتهای تعاونی، فروشگاهی برپا کرده‌اند که اهم معاملات آنان نفت، روغن نباتی، قند وشکر وچای نقدی است ولی‌درهرصورت تاسرحد امکان ازاین قبیل زیانهای‌روستائیان‌جلوگیری می کند. اگر در ده‌قالی‌بافی

وجود داشته باشد پشم در محل مصرف میشودوالا به بازار شهر کنگاور ارسال می گردد. پوست نیز بطور کلی به شهر کنگاور صادر می‌شود.

عموماً واکسیناسیون دام در زمان شیوع بیماری‌ها بعمل می‌آید واهالی به هنگام بروز امراض به مرکز بخش کنگاور مراجعه می‌نمایند. گاهی هم‌هرچند ماه یکبار مأموران برای معاینه‌دام‌ها، خود سری می‌زنند وآنچه ازگفتهٔ روستائیان برمی‌آمد خدمات دامپزشکی کافی نیست و غالباً آنان را دچار مضیقه می کند. در مدتی که دام در زاغه بسر می‌برد وازغذای آماده تغذیه می گردد بخاطر هوای ثابت وغذای معین کمتر بیمار می‌شود ولی باخروج اززاغه وتغییرهوا ونوع غذا بیماری آغاز می‌شود وگاهی بصورت همه گیر درمی‌آید. بیماریهای‌عمده که موجب تلفات دام وزیان می‌شوند عبارتند ازگیجی، اسهال، زرده.

اشتغالات مردم ده :

در روستاهای کنگاور شغل عمدهٔ مردم کشاورزی است ولی انواع کار کشاورزی در درجهٔ اول از نوع مالکیت زمین تبعیت می کند بدین‌ترتیب که‌خوش نشین که مالک زمین وصاحب نسق نمی‌باشد به کارهائی مشغول می‌شود که‌جنبه کارگری در روستا دارد ومعمولا دامداری مهمترین حرفه کشاورزی اواست واغلب برای انجام‌خدمات مختلف به شهرهای دور ونزدیک می‌رود و مهاجرت موقت‌از ده به دنبال شغل ودرآمد قسمتی ازاشتغالات اورا تشکیل می‌دهد ولی کشاورزصاحب زمین به کارهای عمدهٔ کشت‌وزرع می‌پردازد. کارهای دهات برحسب جنس‌مرد ویازن نیز تقسیماتی دارد. اگر ده نزدیک به شهر و یا دورازآن باشد ویاپرجمعیت و یا کم جمعیت ، تعداد مشاغل و نوع آنها متفاوت است. برای مثال در روستای فش که یکی از روستاهای بزرگ بخش وخود، مرکز دهستان است از ۳۱۹خانوار جمعیت‌آن ۱۳۵ خانوار خوش‌نشین هستند. دراین‌ده ۱۷ دکان بقالی وجود دارد

که در روز به نوبت یکی از بقالها کار قصابی هم می کند. یک مغازهٔ رنگرزی پشم، ۶ دکان نجاری، ۳ دکه پینه‌دوزی، یک مکانیکی تلمبه‌ساز چاه ولوازم موتوری ، دو چراغ‌سازی، دو آسیاب موتوری ، چهار راننده تراکتور ، چهار رانندهٔ اتومبیل (ده‌دستگاه جیپ ـ یکدستگاه وانت ـ یکدستگاه اتومبیل کمپرسی)، ۱۸ نفر چوپان ، ۲ نفر شبگرد وپاکاروده شغل غیر کشاورزی دیگر وجود دارد که عموماً خوش نشین‌هابه این مشاغل اشتغال دارند وبطور متوسط ۵۷ خانواراروستائی خوش‌نشین به این قبیل اشتغالات مشغولند. در روستای عبدالتاجدین ازکل ۹۶ خانوار ۲۴ خانوار خوش‌نشین هستند. از این ۲۴ خانوار مردان ۱۵ خانوار در مدتی از سال برای کار به شهرهای دور و نزدیک نواحی «کرمانشاهان ـ همدان ـ خوزستان واستان مرکزی» می‌روند. از ۲۲۹ خانوار روستائی قارلق ۴۲ خانوار خوش‌نشین می‌باشند ازاینجا هم هرسال ۳۶ مرد خوش‌نشین در قسمتی از سال برای کار از ده مهاجرت می کنند ۸ نفر مغازه‌دار و ۱۱ چوپان و۲ پاکار و دشتبان نیز از خوش نشین‌ها هستند . از ۴۲ خانوار جمعیت ده محمدآباد ۲۳ خانوار خوش‌نشین می‌باشند و بازکار اصلی‌آنان کارگری، درو ، دشتبانی وچوپانی است ومردان ۱۵ خانوار در زمستان برای کار به شهرهای مختلف مخصوصاً تهران‌مهاجرت‌می کنند. در ده خرم‌آباد از ۳۲ خانوار روستانشین ۱۳ خانوار خوش‌نشین می‌باشد. درطاهرآباد از ۱۳۳ خانوار ده نشین ۷۵ خانوار خوش‌نشین می‌باشد که ازاین جماعت خوش نشین ۶ نفر خرده فروش ثابت یکنفر سلمانی سیار و یکنفر حمامی سه نفر قصاب ۱۰ نفر چوپان گوسفندودو نفر گاو چران ۶ نفر بره‌چران می‌باشند و یک نفر باغبان‌است.

می‌توان گفت که در تمام بخش (دهستانها) در حدود ۳۵٪ از خانوارهای ده‌نشین خوش‌نشین می‌باشند. اینان زمین‌دار نیستندودر مجموع به کارگری حرفه‌ای ویاکشاورزی ومشاغل‌وابسته ومتفرقه و مهاجرتهای فصلی جهت کار اشتغال دارند.

صنایع دستی :

در روستاهای کنگاور صنایع یدی مهمی وجود ندارد. تنها صنعت مهم قالی بافی است که گسترش وتـــوزیع آن هم نامنظم است. دهاتی که قالی‌بافی دارند معدود است وبخصوص قالی‌بافی به‌صورت بازرگانی انگشت شمار می‌باشد. مهمترین مرکز قالی‌بافی روستائی ده طاهرآباداست که درآنجا قالی‌بافی تقریباً جنبهٔ بازرگانی هم دارد وبیشتر قالیچه می‌بافند ودرواقع قالی‌باف نیستند. دراین‌جاهم به علـــت کار وفعالیت زیاد کشاورزی در بهار وتابستان واوایل پائیز، عمدهٔ کارقالی‌بافـــی به‌فصل‌سرد اختصاص می‌یابد. مهم‌ترین عامل توسعهٔ‌قالی‌بافی در این روستا اولا عامل سنتی وارثی است ثانیاً فراوانی مواد اولیه در خود ده ودر دهات نزدیک‌است. قالی وقالیچهٔ طاهرآباد چندان مرغوب نیست وبهای قالیچه‌آن ازمتری ۳۰۰۰ ریال تجاوز نمی‌کند.

بطورکلی همین مردم قالی‌باف‌هم بافتن قالی وقالیچه را مقرون بصرفـــــه نمیدانند. زیرا مخارج تهیهٔ یک قالیچهٔ دومتری چنین محاسبه می‌شد :

خامه ۹ کیلو	۱۸۰۰ ریال
رنگ‌آمیزی	۳۰۰ «
تاروپود	۵۰۰ «
۲ نفر کارگر در یکماه	۳۰۰۰ «
جمع هزینه	۵۶۰۰ ریال

و بدین‌ترتیب نمی‌بایست بکار قالی‌بافی بپردازند. پس چرا قالی می‌بافند؟ علت اشتغال به‌قالی‌بافی اولا بیـکاری فصلی زمستان می‌باشد ثانیاً زنان و دختران خانوادهٔ زارع خود بدینکار اشتغال می‌ورزند و درواقع مزدکار به‌خودآنان بـــاز می‌گردد.

دراین ناحیه‌درکمتر دهی این قدر قالـی وقالیچه وجـوددارد، فی‌المثل در

عبدالتاجـدین دام دار فقط . ۲ دار قـالیچه وجـود داشت. در این ده کمتر ممکن است قالی وقالیچه‌ای برای فروش عرضه شودودر واقع برای رفع احتیاج خود روستا است وتک‌فروشی گهگاهی نمی‌تواند آنرا به عنوان‌یک حرفه بازرگانی جلوه دهد. در ده قارلق که از روستاهـــای پرجمعیت است فقط ده‌دار قالیچه وجود دارد . بدین‌ترتیب دراکثر دهات قالی و قالیچه یک کالای خود مصرفی است و دهاتـی که قالی فروش باشند نادراست. برورویهم دراین بخش درحدود ۳۰۰ تا ٤۰۰ دار قالی وقالیچه وجود داشت.

دستمزدها :

متوسط دستمز قالی‌باف درحدودی است که گفته شد ومتوسط سایر دستمزدها در دهات چنین است: مزدگاوچران وگوساله‌چران در مدت ۸ ماه از سال که به این کار اشتغال دارد درحدود ۱٤ کیلوگندم و ۱۰ ریال برای هر رأس می‌باشد. برای گاوکارگندم به ٦ کیلووسزد نقدی برای هر رأس به ۲۰ ریال تغییر می کند زیراگاوکار در نیمی ازسال در مزرعه مورد بهره‌برداری است. مزد چوپان گوسفند برای همین مدت برای هررأس ٦۰ ریال است وبعلاوه در ازاء هرچهارگوسفند باید یک روز به چوپان غذا بدهند واگر غذا ندهند مزد هرگوسفند یکصدریال می‌شود. چوپان بره‌وبزغاله درمدت ٦ ماه ازسال (ازعیدتا اول پائیز) بابت هر بره‌فقط ٥ ریال مزد می گیرد. در بعضی از دهات برای هر ۲۰۰ گوسفند سالیانه یک‌جـــا ٦۰۰۰ ریال نقد و۱۰۰۰ کیلوگندم می‌دهند. مزد دشتبان برای یکسال بابـــت هرجفت زمین ۱۳٥ کیلوگندم و٥۰ ریال پول نقد است. گذشته از این‌خوش‌نشینها موظفند هرخانوار سالیانه ۱۰ ریال به دشتبان مزد بپردازند.

بهداشت ، تعلم وتربیت :

مرکز اصلی بهداشتی وطبی‌درمرکز بخش کنگاور متمرکز است که به کار پیشگیری ودرمان می‌پردازند. مهمترین تأسیسات درمانی وبهداشتی عبارتنـــداز

درمانگاه وزارت بهداری به سرپرستی یکنفر طبیب ویک نفر کمک مهندس بهداشت که تا حداسکان به کار پیشگیری ومعالجه اشتغال دارند و یک بیمارستان ۲۰ تختخوابی که در ۱/٤/۵۰ به شیروخورشید واگذار شده است ودر زمان مطالعه یک نفر پزشک عمومی یک نفر دندان پزشک کادر اطباء آنرا تشکیل می‌داد. بیمارستان دارای آزمایشگاه وداروخانه وسایر تأسیسات نیز بود . داروها رایگان به بیماران بی‌بضاعت داده می‌شد ولی هزینه تخت از ۱۰۰ تا هزار ریال متغیر بود وبا تشخیص بیمارستان ومناسب باوضع اقتصادی بیمار در نظر گرفته می‌شد. بدیهی است انجام اعمال جراحی جز جراحی صغیر دراین بیمارستان امکان پذیر نبود وبیماران را به کرمانشاه می‌فرستادند.

عمدهٔ بیماریهای ناحیهٔ کنگاور در فصل گرما بیماریهای روده‌ای است که بسیار زیاد می‌باشد. همچنین بیماریهای انگلی - تراخم - بیماریهای ناشی از سوء تغذیه. بیشتر بیماران بستری بیمارستان را بیماران ریوی وقلبی سپس زایمان و داخلی تشکیل می‌داد. در زمان مطالعه ساختمان بیمارستان ۵۰ تختخوابی مدرن ومجهزی روباتمام بود وبرابر پیش‌بینی ، بخشهای جراحی زنان - اطفال - رادیوگرافی - آزمایشگاه - داروخانه وخلاصه تمام تجهیزات درحال تکمیل بود . در سازمان بیمارستان ۲۰ تختخوابی کنگاور جراح و ماما وجود داشت ولی به علت عدم وجود تجهیزات لازم درآن زمان درکرمانشاه کارمی کردند . بدیهی است تابحال قطعاً بیمارستان جدید باتجهیزات کافی بکار افتاده است وباید آنرا بحساب تأسیسات بهداشتی موجود این بخش گذاشت. ناگفته نماند که ایجاد و توسعه مراکز مهم بهداشتی مرهون تحولات چند سال اخیر می‌باشدو کاری است کاملا موردحاجت برنامه‌های پیشرفت همه‌جانبه وهمه‌جاگیر مملکت.

گذشته از تأسیسات بهداشتی گفته شده سازمان ریشه‌کنی مالاریانیزازمهم ترین و فعال‌ترین مراکز بهداشتی این بخش است که بانهایت کوشش به کار خود مشغول است ودرکار پیشگیری کاملا موفق ومؤید بوده است . بدنیست اضافه کنم

در هرجا از ایران که بمطالعه‌ای پرداخته‌ام فعالیت این سازمان واقعاً چشم گیر بوده‌است. عامل اصلی بیماریهای گفته شده مخصوصاً بیماریهای روده‌ای وچشم عدم رعایت بهداشت از جانب روستائیان است وهم طرز زندگی وساختمان‌ده که باید مورد توجه باشد. در دهات کوهستانی نظیر عبدالتاجدین آب‌وهوای کوهستانی وتغذیهٔ نسبة بهتر مردم را سالم نگهداشته است وجز مالاریا بیماری مزاحمی وجود نداشته که آنهم امروزه ریشه کن شده است. در دهات دشتی به علت فصل گرم طولانی‌تر وسوء تغذیه انواع بیماری غلبه پیدا می کند. در هر ده که آب‌لوله کشی باشد ومردم نیز عادت کرده باشند که ازآب‌لوله کشی استفاده نمایند تاحدی جلو امراض روده‌ای گرفته شده است گرچه آلودگی‌ها از طریق شست‌وشوی البسه‌وسایر لوازم وظروف غذا درآب جاری هنوز ادامه دارد. آب فراوان این دهات خودیکی ازعوامل انتشار بیماریهای روده‌ای است. معتقدم باید عادات بهداشتی مردم را گسترش‌داد والا ازگذشته هم‌آب آشامیدنی را با دقت از سرچشمه تمیز برداشت می کردند وتنها بهداشتی کردن چشمه کافی نیست. حیوانات وزندگی توأم آنها بااهالی روستا نیز از علل عمدهٔ آلودگی‌محیط این روستاها است. در فصل گرم که اتفاقاً انتقال بیماری سریع‌تر است حیوانات در حیاط نگهداری میشوند وهمین امر موجب‌آلودگی محیط وازدیاد پشه ومگس وحشرات مضر می گردد.

مسأله این‌است که بایدروستائی‌درزندگی‌روزمره اصول بهداشت‌را رعایت کند و راه تندرستی را بیاموزد و تنها به ایجاد تأسیسات بهداشتی اکتفا نشود، آموزش بهداشت مهم‌تر از خود بهداشت است.

در قسمت تعلیم وتربیت با آنکه نتوانستم آمار دقیقی از قبل از سال ۴۰ بدست آورم معهذا بسیار روشن بود که دراین امر نسبت به ده سال قبل پیشرفت حاصل شده است. یک مطالعهٔ اجمالی به آمار زیر قضایارا روشن می کند. از سال

تحصیلی ٤٥، ٤٦، تا ٥٠،٥١ در حدود ١٠٤٨ نفر به تعداد نوآموزان دبستانها و٩٦٤ نفر به تعداد دانش‌آموزان اضافه شده است که جمعاً ٢٠١٢ نفر افزایش نشان می‌دهد. درسال‌تحصیلی ٥٠ - ٥١ - ٥٤٩٨ نفر در مؤسسات آموزشی(دبستان دبیرستان) به تحصیل اشتغال داشته‌اند که ١٥/٥٪ کل جمعیت را شامل میشود بدیهی است این نسبت برای شهر کنگاور (مرکز) ٢٥٪ است . این نسبت ها نمی‌توانند بخوبی توزیع درصد محصل را در جمعیت مرکز بخش و سایر روستاها نشان دهند زیرا عدهٔ زیادی از اطفال دهات نزدیک برای تحصیل در دبیرستان وحتی دبستان به‌شهر کنگاور (مرکزبخش) می‌آیند ولی درهرصورت رقم ١٥/٥٪ درکل جمعیت قطعی است. باتوجه باین رقم وتعداد اطفال لازم‌التعلیم مشاهده میشود که باهمهٔ پیشرفت‌حاصله سطح آموزش‌اطفال‌نسبت به‌بسیاری از نواحی‌ایران که به‌سرعت‌پیش‌می‌رود پائین‌تر است وباید هنوز کوشش بیشتری‌بعمل‌آید ومدارس تازه‌ای دردهات‌تأسیس‌شود. برای‌مثال‌وضع‌تعلیم وتربیت را در مرکز دهستان فش (ده‌فش) که‌ده‌بزرگ‌وپیشرفته‌تری‌است‌تشریح می کنم. درروستای‌فش یک‌دبستان ٥ کلاسه در زمان‌مطالعه وجودداشت که ١٩٤ نفر نوآموز توسط٦ معلم «سه نفر زن سه نفر مرد ویک مدیر مدرسه) درآن تحت تعلیم بودند. توزیع محصل برحسب جنس بسیار جالب بود زیرا فقط ٧ نفر دختر در آنجا درس میخواندند .در این ده یک خانه فرهنگ روستائی « تنها خانه فرهنگ روستائی بخش» وجود داشت که مؤسسات‌آن عبارت بود از :

الف ـ مهد کودک : مهد کودک سه سال است که دراین روستا تأسیس‌یافته ودرحدود ٣٠ کودک بین سنین ٥ تا ٧ سال از ساعت ٨/٥صبح الی ١١ در آنجا تغذیه وتربیت میشوند. در بازدیدی که بدون اطلاع قبلی بعمل‌آمده وضع چنین مشاهده شد :

مسئول‌آن با علاقه کودکان روستا را بدور خود جمع کرده به‌هرکدام‌لباس های مخصوصی ومتحدالشکل پوشانده بود و باسینه‌پوشهای سفید منظرهٔ زیبائی

داشتند وشوروهیجانی در بچه‌ها بود. هرچند که در آن مؤسسه وسایل بازی برای کودکان وجود نداشت ولی همینکه آنها بدوریکدیگر جمع شده در محیط سالم از غذای سالم‌وتربیت یک‌دختر شهری‌برخوردار بودند شاد بودند .

بودجهٔ مؤسسهٔ مزبور سه ماهه ودر هرسه ماه ۳۰۰۰ ریال است که ۵۰٪ از مبلغ مزبور صرف هزینه غذای کودکان و ۵۰٪ جهت تهیه وسایل ولوازم مورد نیاز آنان مصرف می گردد. غذای کودکان عبارتست از شیر وبیسکویت ودر هفته دوبارهم غذای گرم نیمروز میدهند که مواد اولیه واصلی‌آن گوشت وتخم مرغ است.

ب ـ در این روستا به کوشش سپاهی‌ترویج تیم‌های‌بازی فوتبال و دومیدانی وکشتی ترتیب داده شده که برای‌آموزش آنان یکنفر مربی از اداره تعاون کرمانشاه به فش می‌آید وورزشکاران را آماده می‌سازد.

ج ـ کتابخانه ده در حدود ۵۰ جلد کتاب ومقداری روزنامه دارد که در اختیار باسوادان روستا گذاشته میشود.

د ـ سپاهی ترویج‌دختر به بانوان‌ده‌آشپزی و خیاطی‌می‌آموزد وآنها را تشویق می کند که به برنامه‌های رادیو توجه کنند.

در ده‌قارلق که دهی بزرگ وآباد است در ۱۳ سال‌پیش یک دبستان‌تأسیس شده که ۲۵ نفر محصل دارد وهمه پسرند. در ده عبدالتاجدین دبستان درسال ۱۴ تأسیس شده است ۳۵ نفر دانش‌آموز دارد که همه پسرند . در خرم‌آباد ۲۷ نفر در دبستان درس میخوانند که ۷ نفرآنهادخترنددر روستاهای طاهرآباد دبستان ۵ کلاسه با ۵۹ نفر نوآموز پسر و ۱۵ نفر دختر وجود دارد که یکنفر سپاهی مرد و سه نفر سپاهی زن درآن درس‌می‌دهند. روستای فش در برابر ۲۰۷۴ نفر جمعیت ۱۹۴ نوآموز دارد، قارلق در برابر ۱۳۰۸ نفر ۵۲ نفر، روستای عبدالتاجدین در برابر ۵۴۹

نفر ۳۵ نفر، ده خرم‌آباد در برابر ۱۹۳ نفر ۲۷ نفر ، وده طاهرآباد در برابر ۸۵. نفر ۹۵ نوآموز دارد .

این چند نمونه نشان میدهد که اولا نسبت نوآموز نسبت به کل جمعیت در روستاها ازبسیاری از نواحی روستائی ایران پائین‌تر است ثانیاً دختران را به علت عقاید سنتی و بهره‌وری در کار منزل وقالی‌بافی از تحصیل مقدماتی محروم می کنند. ازطرفی در تغییر اصول زندگی سابق به زندگی صحیح امروزی آن طور که باید تعلیماتی انجام نمیشود. باید تعلیم بزرگسالان برای آشنائی بازندگی نووصحیح همراه باسواد آموزی بچه ها در نسبت بیشتری انجام گیرد ولازم است که تعلیمات مؤثر و نافذ از طریق روابط جمعی به‌این دهات راه یابد تا از سایرنواحی درحال پیشرفت مملکت عقب نماند.

آمار محصلان و معلمان دبستانهای سپاهی قراء تابعه آموزش و پرورش کنگاور درسال ۵۱ـ۵۰

آموزشگاههای سپاهی دانش	تعداد محصل			تعداد معلم			خدمتگزار	ملاحظات
	پسر	دختر	جمع	مرد	زن	جمع		
سال ۴۶ — ۴۵	۵۳۰	۶۷	۵۹۷	۱۷	—	۱۷	—	
سال ۵۱ — ۵۰	۶۶۰	۱۰۷	۷۶۷	۱۶	۱۲	۲۸	—	

آمار محصلان و معلمان پیکار مرکز بخش در سال ۵۱ـ۵۰

مرکز بخش	تعداد محصل			تعداد معلم			
	پسر	دختر	جمع	مرد	زن	جمع	خدمتگزار
بزرگسالان	مرد	زن	جمع				
۴۶-۴۵	۷۸	۶	۸۴	۴	—	۴	—
۵۱-۵۰	—	۵۵	۵۵	—	۲	۲	

آمار محصلان و معلمان کودکان شبانه قراء تابعه درسال تحصیلی ۵۱-۵۰

	تعداد محصل		تعداد معلم			
	پسر	دختر	جمع	مرد	زن	جمع	خدمتگزار
قراء تابعه	۶۳	۵۰	۱۱۳	۲	۲	٤	

آمار محصلان و معلمان دبستانهای مرکز بخش در سال تحصیلی ۵۱-۵۰

مرکز بخش	تعداد محصل		تعداد معلم			
	پسر	دختر	جمع	مرد	زن	جمع	خدمتگزار
سال ٤٦-٤٥	۱۰۰۶	۵۸۷	۱۵۹۳	۳۱	۳۰	۵۱	—
۵۱-۵۰	۱۲۰۳	۷۶۰	۱۹۶۳	۲۹	۳۲	۶۱	۶

آمار محصلان و معلمان دبیرستانها و مدارس راهنمائی مرکز بخش در سال تحصیلی ۵۱-۵۰

مرکز بخش	تعداد محصل		تعداد معلم				
	پسر	دختر	جمع	مرد	زن	جمع	خدمتگزار
سال ٤٦-٤٥	۳۰۷	۳٤	۳٤۱	۱۰	۱	۱۱	—
دبیرستانهای مرکزبخش	۷۸۳	۲٤۳	۱۰۲۶				
مدارس راهنمائی	۱۱۰	۶۹	۱۷۹				
	۸۹۳	۳۱۲	۱۲۰۵	۲۰	۷	۲۷	٤

آمار محصلان و معلمان دبستانهای عادی روستاهای تابعه در سال تحصیلی ۵۱-۵۰

روستاها	تعداد محصل		تعداد معلم			
	پسر	دختر	جمع	مرد	زن	جمع	خدمتگزار
سال ٤٦-٤٥	۹۵۲	۱۰۲	۱۰۰٤	۳٤	—	۳٤	—
سال ۵۱-۵۰	۱۲۶۹	۱۲۶	۱۳۹۵	۳۲	۱۹	۵۱	۲

آمار روستاها از نظر توزیع سپاهان

نام ده	سپاهی دختر	سپاهی پسر	سپاهی ترویج
توشمالان	—	۱	—
بردینه	—	۱	—
جاورسینه	—	۱	—
نهرالدوله	۲	—	۱
گلیاران	۱	—	—
حسین‌آباد	۲	—	۱
طاهرآباد	۳	—	۱
شورچه	—	۱	—
خلیل‌آباد	—	۱	—
کرماجان	—	—	۱
سلطان‌آباد	—	—	۱
رشتیان	—	۱	—
هزارخانی	—	۱	—
فش	—	—	۳
دم‌بادام	—	۱	۱
حسن‌آباد	—	۱	—
رحمت‌آباد	۲	—	—
سهم‌آلدین	—	۱	—
جمع ۱۸ روستا	۱۰	۱۰	۹

سازمانهای اجتماعی دهات :

مهمترین سازمانهای اجتماعی دهات این بخش عبارتند از انجمن ده، خانه انصاف ، شرکت تعاونی روستائی . فعالیت انجمن‌های دهات در هر ده در حدود انجام کارهای عمرانی روستا است از قبیل تأسیس وساختمان مدرسه، حمام بهداشتی، مسجد، لوله کشی‌آب، بهداشتی کردن چشمه‌ها، ساختن پل ، راه ، تأمین برق ونظایرآن. قدیم‌ترین انجمن ده ازآن روستای فش می‌باشد که در حدود بیست سال پیش تأسیس یافته است ولی عموماً توسعه وفعالیت پی گیر این انجمن‌ها مربوط بدهۀ اخیر است. در تمام روستاها بدون استثنا انجمن ده وجود دارد منتهی گاهی دوتا سه ده کاملا بهم نزدیک یک انجمن دارند و به اعتقاد من فعالیت این انجمنها در پیشرفت اجتماعی روستاها بسیار خوب بوده است.

خانه‌های انصاف که از پدیده‌های قضائی دهۀ اخیر در روستاها است در حدود اختیارات قانونی خود به دعاوی اهالی ده رسیدگی می کند و در حل وفصل اختلافات ده قدمهای مؤثری برمی‌دارد. چون دهات نزدیک بهم هستند معمولا چند ده از یک مرکز خانۀ انصاف متابعت می کنند. توزیع خانه‌های انصاف به‌شرح زیر است:

۱ ـ روستاهای : کارخانه ـ علی‌آباد ـ حسین‌آباد ـ کوچه ـ طاهرآباد به مرکزیت کارخانه .

۲ ـ روستاهای : گودین ـ رحمان‌آباد ـ شش‌یکان ـ دم‌بادام به‌مرکزیت رحمان‌آباد.

۳ ـ روستاهای : رستم‌آباد ـ چشمه‌نوش به مرکزیت چشمه‌نوش.

۵ ـ روستاهای : جاورسینه ـ سرمست ـ بردینه به مرکزیت جاورسینه.

۶ ـ روستاهای : توشمالان ـ قزوینه ـ ده‌نو به مرکزیت توشمالان .

۷ ـ روستاهای : خمیس‌آباد ـ شورچه ـ قارلق به مرکزیت قارلق.

٨ - روستا های : رشتیان - عبدالتاجدین - هزارخانی - حصار به مرکزیت رشتیان .

هنگامی که کشاورزان از بند مالکان بزرگ رسته وآزاد شدند وسنت‌های کهن اجتماعی زمین داری دگرگون گردید کشاورزیکباره خود را تنها یافت ونیازمند حمایت مالی گردید. درکشور این تنهائی حساب شده بود و بهمین جهت به منظور کمک به دهقانان صاحب زمین همگام با اجرای برنامه‌های اصلاحات ارضی شرکتهای تعاونی روستائی بامشارکت خود کشاورزان تأسیس شد. عمدهٔ کار این شرکتها از بدو تأسیس حمایت زارع از طریق تأمین احتیاجات روستائی بود.

شرکت‌های تعاونی روستائی دراین ناحیه با ایجاد فروشگاههای تعاونی احتیاجات درجه اول روستائیان را تأمین می کنند. حتی المقدور دست دلالان وسود جویان را از روستا کوتاه می‌نمایند وهم در تهیه کود، بذر اصلاح شده ، تأمین آب زراعی وبالاخره فراهم آوردن موجبات توسعه عملیات بازرگانی روستا اقدام می کنند واز طریق همین شرکت‌ها مساعدتهای لازم برای کشت خشخاش و یا وامهای نقدی وجنسی معمول می گردد.

برای آن که شرکتهای تعاونی روستائی باسرمایه بیشتر بتوانند کار کنند چند روستای کاملا نزدیک بهم اغلب عضو یک شرکت تعاونی هستند ، آمار شرکت های تعاونی روستائی این ناحیه بدین شرح است:

مشخصات شرکتهای تعاونی کنگاور

نام ده	تعداد اعضا	سرمایه شرکت	تاریخ تشکیل
آب باریک	۲۵۳	۸۶۱۷۵۰	۴۳/۶/۲۴
گودین	۴۳۳	۴۵۹۹۰۰	۴۴/۸/۲۵
کرماجان	۴۰۲	۶۸۷۹۰۰	۴۵/۱۱/۱۸
کارخانه	۲۰۰	۳۰۳۸۰۰	۴۴/۸/۲۴
رحمت‌آباد	۱۲۷	۴۰۴۲۰۰	۴۵/۲/۶
سلیمان‌آباد	۱۵۸	۲۷۱۶۵۰	۴۶/۲/۱۷
فشخواران	۱۲۸	۲۲۱۵۰۰	۴۶/۲/۱۶
شهرآباد	۴۰۴	۹۶۲۶۰۰	۴۶/۱۱/۲۸
هزارخانی	۱۱۹	۳۷۴۷۰۰	۴۴/۸/۲۵
فش	۲۲۳	۴۴۰۸۵۰	۴۳/۱۰/۱۵

عکس ۱ ــ مزرعه خشخاش ۰ روستای خرم آباد ۰

عکس شماره ۲ ـ سرآب جانان کنگاور.

عکس ۳ـ خانه روستائی ۰ ده عبد التاجدین کنگاور۰

عکس ۴ ـ خرید و فروش سیار . روستای خرم آباد کنگاور .

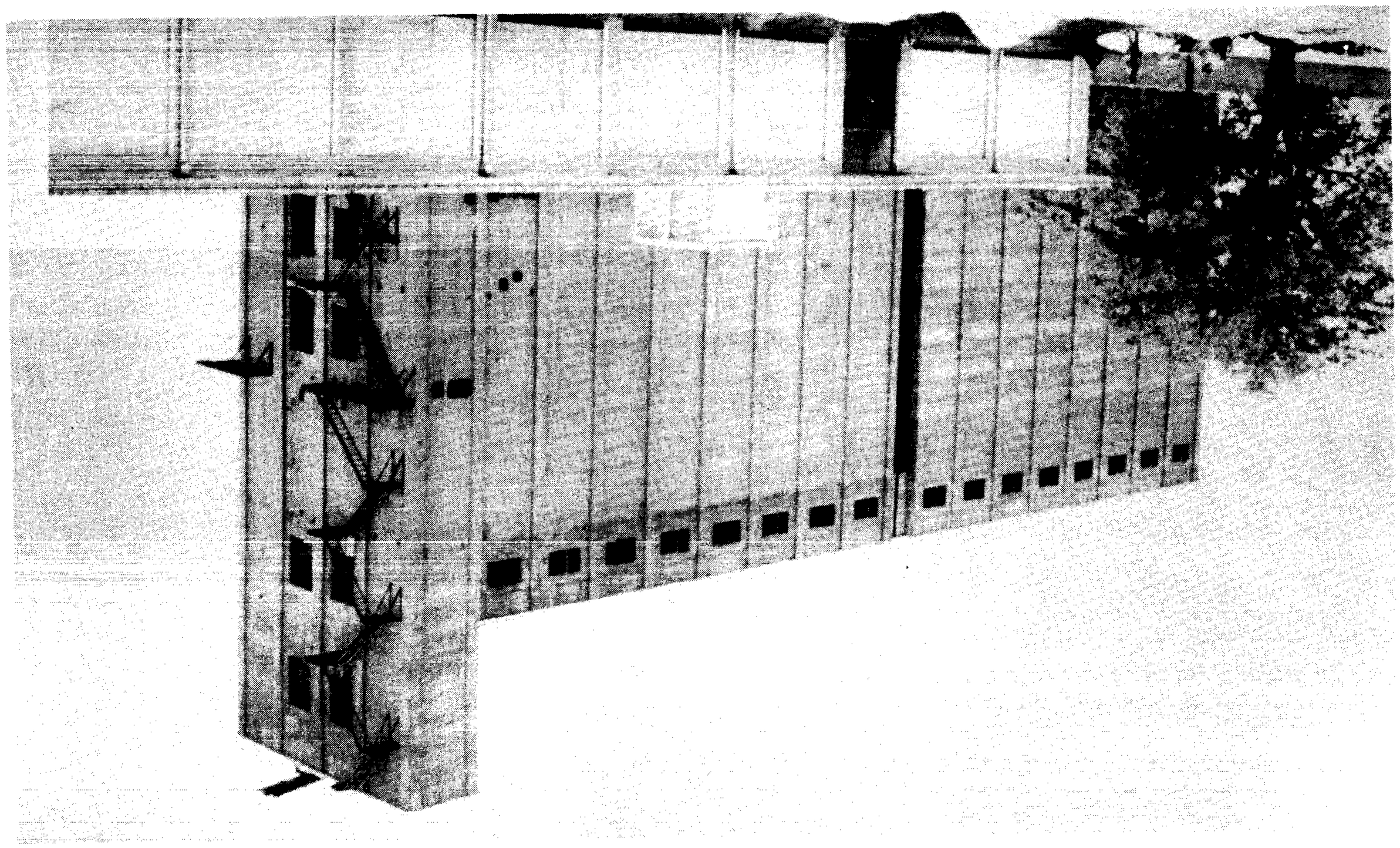

عکس ۵ – ساختمان سیلوی کارگر.

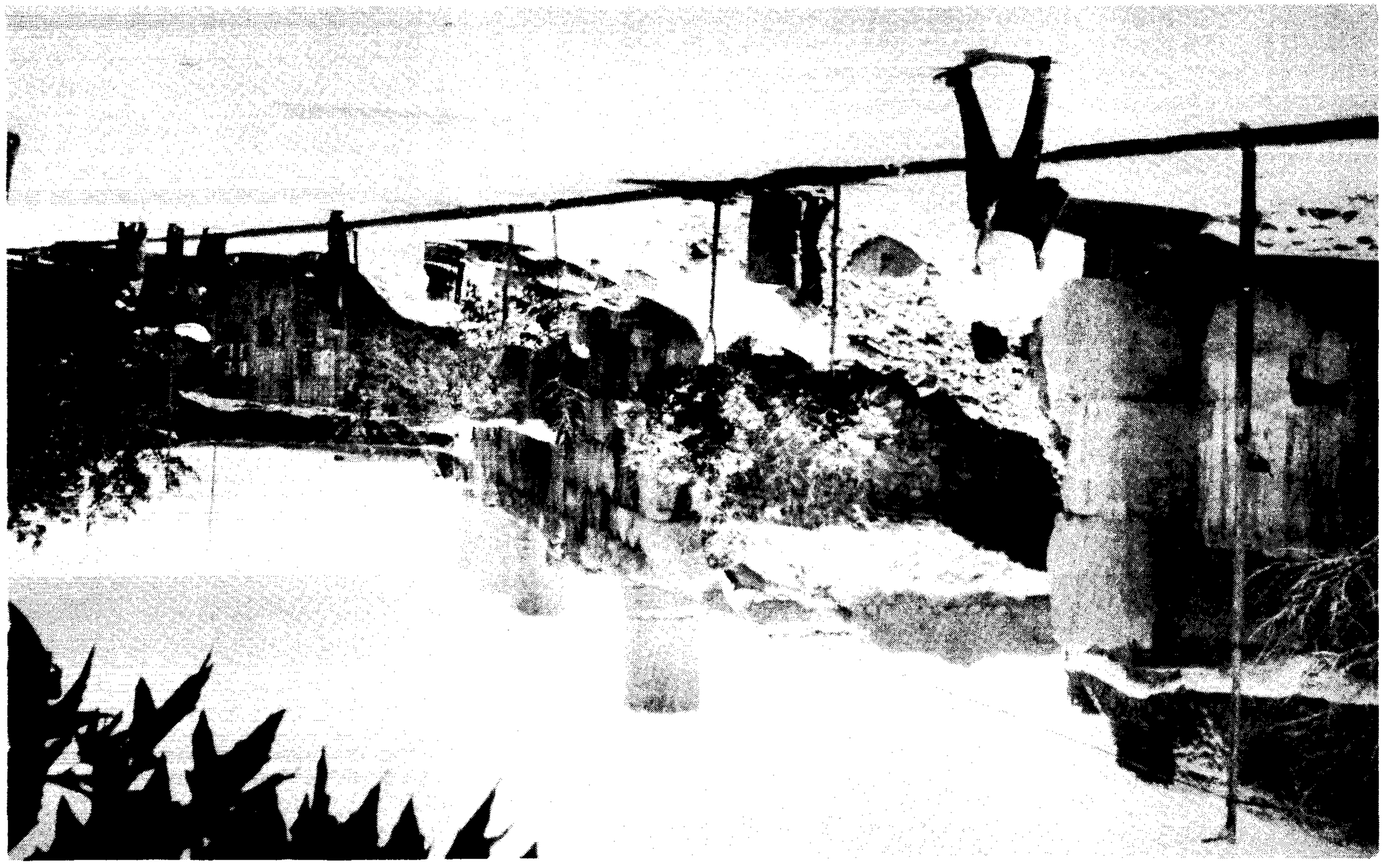

شکل ۱ – شهر کنگاور – دیوار محیط آتشدان زیگورات اصلی شهر .

عکس ۷ – نمای از شهر کلاردشت.

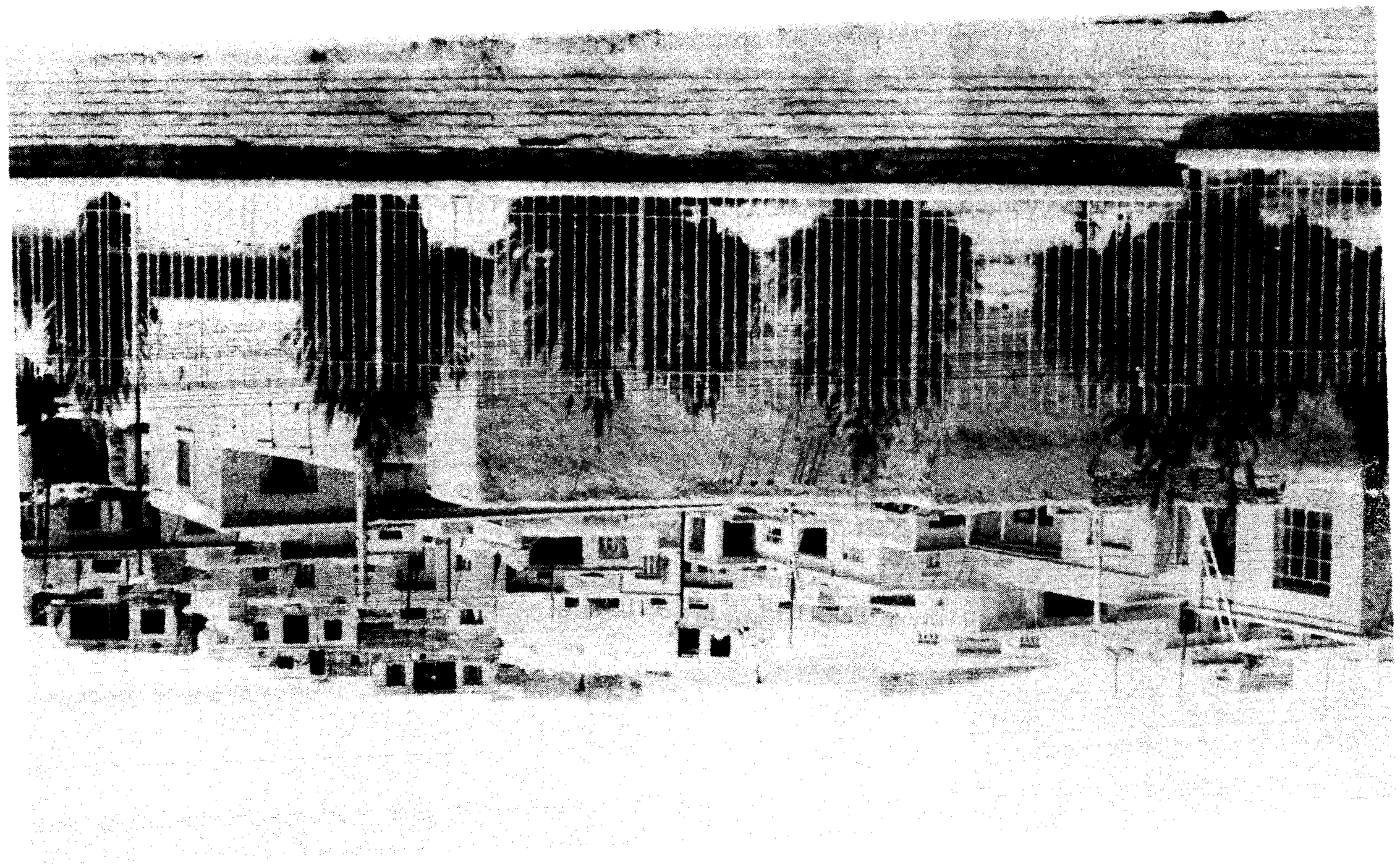

عکس ۸ ــ نمائی از شهر کنگاور .

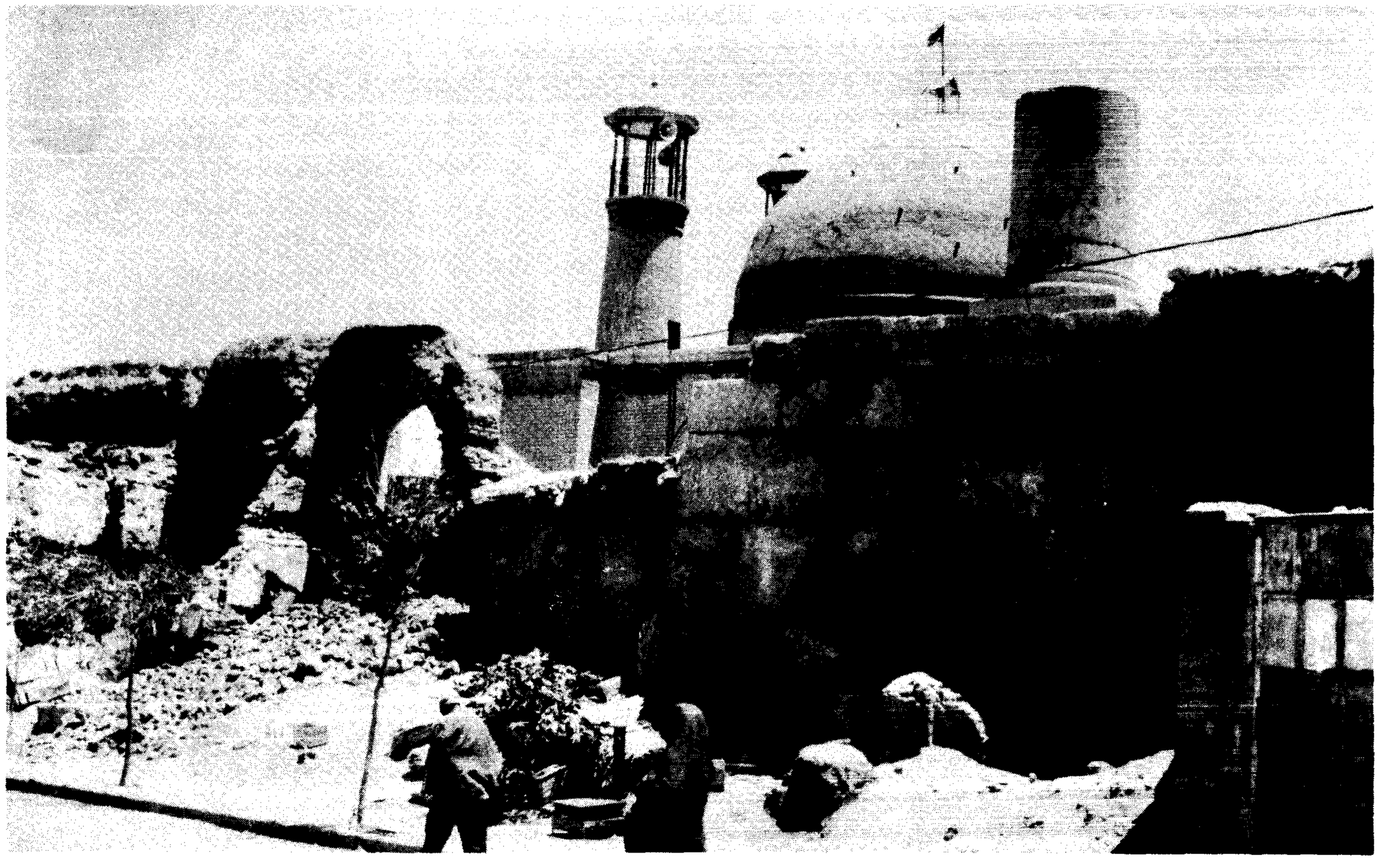

عکس ۹ ــ آثاری از ساختمان معبد آناهیتا ۰ در دوره اسلامی بر روی خرابه های معبد ، مساکن ومساجد ساخته شده بود ۰

عکس شماره ۱۰ ـ در کنار سیلوی کنگاور که فاصله چندانی با مزارع آبی
گندم ندارد رانندگان کمباین برای استراحت توقف نموده اند

عکس‌شماره ۱۱ ــ درروی گندم وسیله کمباین

سلطان آباد